

نافرمانی والدین

اسباب و راه علاج

مؤلف:

محمد بن ابراهیم الحمد

مترجم:

عبدالحمید گل مهرآبادی

عنوان کتاب: نافرمانی والدین
مؤلف: محمد بن ابراهیم الحمد
مترجم: عبدالحمید گل مهرآبادی
موضوع: اخلاق اسلامی - اخلاق خانوادگی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ.....
مقدمه مؤلف	۱
مقدمه مترجم	۷
تقریظ جناب مولانا مطهری (حفظه الله) مدیر حوزه علمیه احناف	
خواف	۹
تقریظ مولانا شهاب الدین شهیدی (حفظه الله) شیخ الحدیث حوزه	
علمیه احناف خواف	۱۰
تقریظ مولانا عبدالله موحدی (حفظه الله) استاد حدیث حوزه	
علمیه احناف خواف	۱۱
فصل اول: عقوق (نافرمانی)	۱۳
۱- تعریف عقوق (نافرمانی)	۱۴
۲- انواع نافرمانی	۱۴
۳- چند قصه از نافرمانی والدین	۲۳

-
-
- ۴- اسباب نافرمانی والدین ۲۸
- ۵- راه علاج ۳۱
- فصل دوم: نیکی و احسان ۳۳
- ۱- تعریف نیکی و احسان به والدین (برّ) ۳۴
- ۲- آدابی که در مورد والدین رعایت می‌شود ۳۴
- ۳- اموری که انسان را بر نیکی به والدین کمک می‌کند ۴۱
- ۴- طریقه رفتار با همسر و والدین ۴۴
- ۵- چند قصه از نیکی به پدر و مادر ۵۱
- الف) چند قصه از نیکوکاری انبیاء ۵۲
- ب) چند قصه از نیکوکاری سلف صالح ۵۵

تقدیم

- به روح پرفتوح حضرت مولانا شمس‌الدین مطهری (رحمته‌الله)،
مولانا غلام احمد موحدی (رحمته‌الله).
- به تمام اساتید و معلمانی که علم و دانش را از آنان آموختم.
- به پدر و مادر عزیز و ارجمندم که از هیچ سعی و تلاشی در
راه تربیت دینی‌ام دریغ نورزیده و در همه حال پشتیبان و
تکیه‌گاه مستحکمی برایم بوده و هستند.

مقدمه مؤلف

الحمد لله، والصلاة على رسول الله، نبينا محمد ﷺ وعلى آله صحبه ومن والاه.
اما بعد:

چنان که می دانید حق پدر و مادر بر فرزند بسیار عظیم است و در دین هم مقام و منزلت ایشان بسیار بالاست. پس احسان کردن به والدین مقارن توحید و همچنین شکرگذاری آنها نیز مقرون به شکر الله ﷻ است و احسان به ایشان از بهترین اعمال در نزد خدا به شمار می رود. چنان که خداوند ﷻ در کتاب خویش مکرراً در مورد والدین سفارش فرموده است. از جمله قال الله تعالی:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [النساء: ۳۶].

«خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیز را شریک وی قرار ندهید و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید».

خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیز را شریک وی قرار ندهید و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید.

وقال تعالی:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

إِحْسَانًا﴾ [الأنعام: ۱۵۱].

«بگو بیایید تا آنچه را خداوند بر شما حرام کرده همه را به راستی بیان کنم، این که به خدا به هیچ وجه شریک نیاورید و دیگر این که به پدر و مادر احسان و نیکی کنید».

بگو بیایید تا آنچه را خداوند بر شما حرام کرده همه را به راستی بیان کنم، این که به خدا به هیچ وجه شریک نیاورید و دیگر این که به پدر و مادر احسان و نیکی کنید.

وقال تعالی:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾﴾ [الإسراء: ۲۳-۲۴].

«وخدای تو حکم فرموده که جز او هیچ کس را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید و چنانچه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند، مبادا کلمه‌ای (اف) بگویید که رنجیده خاطر شوند و کمترین آزاری به آنها نرسانید و با ایشان با اکرام و احترام سخن بگویید، و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو پروردگارا! چنانکه پدر و مادر، مرا به مهربانی پرورش دادند، تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما».

وقال تعالی:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصْلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْوَصِيرُ ﴿١٤﴾﴾ [لقمان: ۱۴].

«و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند، به ویژه مادر که بار فرزند را حمل کرده و تا دو سال به او شیر داده، سپس او را از شیر باز گرفته است. شکر من و پدر و مادر را به جای آور که بازگشت خلق به سوی من خواهد بود».

در این مورد احادیث بسیار زیادی موجود است که از آنها یکی را در اینجا بیان می‌کنیم.

عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم: أي العمل أحب إلى الله؟ قال: الصلاة في وقتها قلت: ثم أي؟ قال: بر الوالدين قلت: ثم أي؟ قال: الجهاد في سبيل الله» [بخاری / 527، مسلم / 85].

حضرت عبدالله بن مسعود رضي الله عنه می فرماید: من از رسول خدا صلى الله عليه وسلم سؤال کردم که چه عملی در نزد الله جل جلاله از همه بهتر است؟ فرمودند: خواندن نماز در وقتش باز پرسیدم بعد از آن چه عملی؟ فرمودند: نیکی به پدر و مادر، بار سوم پرسیدم: بعد از آن چه عملی؟ فرمودند: جهاد کردن در راه خدا.

نیکی به پدر و مادر از اعمالی است که عقل انسان به آن حکم می کند و تمام ادیان گذشته و روش و عادت انبیاء بر آن تأکید می کند که باید حق پدر و مادر را ادا نموده و به آن ها نیکی کرد و روش صالحین نیز همین بوده است. از محاسن شریعت اسلامی آن است که برای پدر و مادر ارزش فضیلت قایل است که بر کامل بودن آن دلالت می کند و بر خلاف قوانین وضع شده در روی زمین که هیچ حق و فضیلتی را برای پدر و مادر در نظر نگرفته است، اسلام همه حقوق پدر و مادر را در بردارد.

چنان که می دانید عالم غرب با آن همه پیشرفت تکنولوژی خود، هیچ فضیلت و حقی را برای پدر و مادر در نظر نگرفته است و در قوانین خود مادر را مانند کالایی در نظر گرفته اند که هر گاه کاربرد آن تمام شد دیگر هیچ حق و حقوقی ندارد و نهایت ارزشی که برای پدر و مادر قایل می شوند، این است که در هر سال یک روز را مخصوص مادر نام گذاری کرده اند که آن را عید مادر یا همان روز مادر نامیده اند و در آن روز دختران و پسرانشان کادو و هدایایی را به آن ها تقدیم می کنند و آن را به محبت و نیکی تعبیر می کنند و این نهایت کار آن هاست. آیا این رعایت حق والدین است و آیا می توان همین کار را وفای به عهد والدین نامید؟

افراد از حقوق والدین غافلند و فضیلت ایشان را درک نمی‌کنند. اما در اسلام موضوع متفاوت است. با دقت در آیات و احادیثی که بیان شد، اهمیت آن را می‌توان دریافت. حتی اسلام ما را از نافرمانی والدین نهی کرده و در نهایت ارزش این مسأله را در آنجا نشان داده که نافرمانی والدین را جزء گناهان کبیره و مقارن شرک به خداوند قرار داده است.

برای تثبیت این موضوع تنها همین آیه کافی است که خداوند ﷻ فرموده است:

﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا﴾ [الإسراء: ۲۳].

«به پدر و مادر کلمه‌ای (أف) نگویید که رنجیده خاطر شوند و کمترین آزاری به آن‌ها نرسانید».

با دقت در این آیه متوجه می‌شویم که خداوند ﷻ گفتن کلمه‌ی «أف» یا هر کلمه‌ای را که سبب رنجش والدین شود ناپسند دانسته است تا خود بدانید که گفتن سخنانی سخت‌تر از آن چگونه است. در این باره احادیث زیادی هم وجود دارد: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ الْكِبَائِرُ الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَتْلُ النَّفْسِ وَالْيَمِينُ الْعَمُوسُ» [بخاری / 6675].

حضرت عبدالله بن عمرو رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرموده است: از جمله گناهان کبیره امور ذیل می‌باشد:

۱- شریک آوردن به خداوند ۲- نافرمانی پدر و مادر ۳- کشتن و تلف کردن نفس ۴- قسم غموس^(۱) و به ناحق.

مورد نیکی به آنان و با وجود آن که اسلام از نافرمانی پدر و مادر شدیداً نهی کرده است و به عذاب شدیدی اشاره نموده است که نافرمانان را در

۱- غموس: قسمی که خلاف واقعیت است یعنی غوطه‌ور شدن در گناه و شخص با این قسم خود در گناه غوطه‌ور می‌شود.

برخواهد گرفت، باز هم عده‌ای با از یاد بردن حقوق والدین، از نافرمانی آنان باکی ندارند و حقوقشان را پایمال می‌کنند.

اما با وجود منزلت والای والدین و بر خلاف تأکید اسلام در این کتاب دو موضوع نافرمانی والدین و نیکی به آنها بررسی خواهد شد. با امید آن که برای خوانندگان مفید واقع شود و کاستی‌های آن را به دیده‌ی اغماض نگرند. در آخر از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهیم که ما را در زمره بهترین بندگان خود قرار دهد.

آمین یا رب العالمین والله أعلم.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين والعاque للمتقين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد ﷺ
وعلى آله وأصحابه أجمعين.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصْلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ
اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ﴾ [لقمان: ۱۴].

«ما به انسان در مورد پدر و مادرش سفارش کرده‌ایم (که در حق ایشان نیک
باشید و نیکی کنید، به ویژه مادر، چرا که) مادرش بدو حامله شده است و هر دم به
ضعف و سستی تازه‌ای دچار آمده است. پایان دوران شیرخوارگی او دو سال است (و
در این دو سال نیز، کودک شیر، یعنی شیر جان مادر را می‌نوشد، مادر در این مدت
۳۲ ماهه حمل و شیرخوارگی مهمترین خدمات و بزرگترین فداکاری را مبذول
می‌دارد، لذا به انسان توصیه ما این است) که همه سپاسگزار من و هم سپاسگزار
پدرت و مادرت باشد و (بدان که سرانجام) بازگشت بسوی من است (نیکان و را جزا
و بدان را سزا می‌دهد)».

چنانچه از این آیه مفهوم شد نیکی به پدر و مادر و ادای حقوقشان از
جمله ارزش‌هایی است که نصوص صریح و قاطع فراوانی در کتاب و سنت
آن را تأکید می‌کند و اگر کسی حقوق پدر و مادر را نادیده بگیرد و پایمال
کند مستحق عذاب الهی قرار می‌گیرد.

چنانچه در حدیث رسول خدا ﷺ بیان شده است که خشنودی خداوند
بستگی به خشنودی پدر و مادر دارد.

حال با این مقدمه‌ی کوتاه اهمیت و حساس بودن این موضوع سبب شد
تا این کتاب را ترجمه نموده تا امت مسلمان انواع راه‌ها و اسباب نافرمانی

والدین را که منجر به عذاب الهی می‌شود بدانند و بر اهمیت موضوع پی ببرند.

در خاتمه از تمام عزیزانی که بنده را در رابطه با جمع‌آوری کتاب خصوصاً برادران عزیز جناب آقای عبدالطیف شعبانی و آقای حامد عصار رودی متصدی کیمیا رایانه شهرستان خواف که در امور تایپ و حروفچینی و خواهر زهرا خوشامن که در امور ویرایش کتاب اینجانب را همکار کردند کمال تشکر و امتنان را دارم.

عبدالحمید گل مهرآبادی

طلبه‌ی حوزه‌ی علمیه احناف خواف - ۱۳۸۵/۳/۲۱

تقریظ جناب مولانا مطهری (حفظه الله)

مدیر حوزه علمیه احناف خواب

نحمده ونصلي علی رسولہ الکریم اما بعد:

طلبه‌ی عزیز آقای عبدالحمید گل مهرآبادی سه رساله بنام‌های ۱- نافرمانی والدین ۲- خاتمه‌ی نیکو ۳- احکام تفریح و ورزش در اسلام را که از عربی به فارسی ترجمه کرده بود به اینجانب ارائه نمود. با مطالعه‌ی قسمتی از مطالب رسایل مذکور مضامین آن را نافع و مفید برای خوانندگان یافتیم امید است که طلاب و اهل علم احساس مسئولیت نموده و از هر گونه سعی و تلاش جهت ارائه‌ی فرهنگ اسلامی به مردم کوتاهی نفرمایند.

(مولانا) حبیب الرحمن مطهری

مدیر حوزه‌ی علمیه‌ی احناف ۱۳۸۵/۳/۱۷

تقریظ مولانا شهاب‌الدین شهیدی (حفظه‌الله)

شیخ‌الحديث

حوزه علمیه احناف خواف

نحمده ونصلي على رسوله الكريم اما بعد:

رساله‌ای در پیش که موضوعش نافرمانی والدین می‌باشد و ابعاد مختلف موضوع را بررسی نموده برگردانی است از رساله‌ی محمد ابراهیم الحمد که توسط طالب عزیز عبدالحمید گل مهرآبادی ترجمه و جهت استفاده عموم به زبان فارسی ترجمه گردیده است و در اختیار مردم قرار داده شده است امید است خداوند به مترجم عزیز و محترم توفیق خدمت بیشتر و بهتر و به جوانان عزیز و مسلمان شوق و علاقه استفاده کاملتر از این رساله عنایت بفرماید.

با التماس دعای خیر

(مولانا) شهاب‌الدین شهیدی

تقریظ مولانا عبدالله موحدی (حفظه الله) استاد حدیث

حوزه علمیه احناف خواب

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى، و بعد:

حقیر چند صفحه از سه رساله‌ی ۱- احکام تفریح و ورزش در اسلام ۲- نافرمانی والدین ۳- خاتمه‌ی نیکو، که توسط برادر عزیز و ارجمند عبدالحمید گل مهرآبادی وفقه الله ترجمه گردیده و از این حقیر تقاضای تقریظ نموده بود مطالعه نمودم و چون موضوعات رسایل مذکوره که مبتلا به عموم مردم بوده و به ویژه برای نسل جوان عصر حاضر بسیار مفید یافتم خیلی خوشحال شدم شیوه‌ی استدلال و اسلوب بیان موضوعات، طوری عالمانه و وضاحت دارد که بهر خوانندگان اطمینان قلبی بخشیده و مجذوب آن می‌گردد، در خاتمه از الله تعالی خواستارم که به عمر و علم و عمل مذکور (جزاه الله عنا وعن سائر المسلمین خیر الجزاء) برکت عطا فرموده و ایشان را برای موضوعات علمی و دینی بیشتر و بهتر موفق نموده و این گونه خدمات علمی و دینی را مورد قبول خود قرار دهد آمین والله الحمد اولاً و آخراً.

الأحققر الداعی ابوالفضل عبدالله موحدی عفی عنه

۱۳۸۵/۳/۲۱ هـ شد

مطابق با ۱۴۲۷/۵/۱۴ هـ ق

فصل اول: عقوق (نافرمانی)

۱- تعریف عقوق (نافرمانی)

عقوق ضد و مقابل برّ است. ابن منظور رحمته فرموده است: عقوق ماده اصلی آن از «عقّ والده یعقه عقّاً وعقوقاً ومعقّة» و به معنای آزردن و اذیت کردن پدر است و همچنین در حدیث آمده: «انّه ﷺ یَنْهَى عَنْ عُقُوقِ الْأُمَّهَاتِ»: رسول خدا ﷺ از اذیت کردن مادران هم نهی فرموده‌اند و همچنین نافرمانی، یعنی شکستن عصای اطاعت و فرمانبرداری پدر و مادر یا قطع نمودن آن چیزی که وصل آن بین والدین و فرزند واجب است.

۲- انواع نافرمانی

نافرمانی والدین دارای انواع مختلفی است^(۱).

۱- گریاندن والدین و تحزین (غمگین کردن) آن‌ها: خواه با گفتار یا کردار یا اسباب دیگر مثل دشنام دادن و غیره باشد.

۲- آزار رسانیدن و زجر دادن آن‌ها: مثل بلند کردن صدا و خشونت کردن به آن‌ها با گفتار، چنان‌که خداوند ﷻ فرموده است:

﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا﴾ [الإسراء: ۲۳].

«و کمترین آزاری به آن‌ها نرسانید و با ایشان با اکرام و احترام سخن گوید».

۱- برای تفصیل بیشتر می‌توانید به کتب ذیل مراجعه کنید: الف) اخلافنا الاجتماعیه / مصطفی السباعی. ب) برّ الوالدین / عبدالرئوف الحناوی. ج) بالوالدین احسانا / سعادت بنت محمد فرج. د) قرة العین فی فضایل برّ الوالدین / ام عبدالکریم ...

۳- اُف گفتن و نالیدن و به ستوه آمدن از اوامر والدین: این قسم از مواردی است که اگرچه خداوند عَلَّامٌ ما را از انجام آن نهی فرموده است اما بسیاری از ما، هنگامی که والدین به ما دستوری می‌دهند، در جواب آن‌ها «اُف» یا مانند آن را به زبان می‌آوریم، حتی اگر بخواهیم دستورشان را انجام دهیم. در حالی که خداوند عَلَّامٌ فرموده است: ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ﴾ یعنی، کلمه‌ای به ایشان نگویید که رنجیده خاطر شوند.

۴- ابرو درهم کشیدن و جمع کردن جبین (پیشانی) در جلو پدر و مادر: بعضی از مردم اگر به آن‌ها نگاه کنی آن‌ها را در اجتماع و مجالس عمومی، بسیار بشاش، خنده‌رو و خوش اخلاق می‌بینی که از گفتن سخنان بی‌معنی و طولانی دوری می‌کنند و اگر سخنی هم بگویند بسیار شیوا و دل‌نشین است. اما وقتی به خانه وارد می‌شوند و در مقابل والدین قرار می‌گیرند، مانند شیری می‌غرند و حالتشان کلاً دگرگون می‌شود و تمامی خصلت‌های خوبشان که در اجتماع پدیدار بود پنهان می‌گردد و برعکس، بسیار تندخو می‌شوند. و شاعر در این مورد گفته است:

من الناس من يصل الأبعدین ویشقی به الأقرب الأقرب
 برخی از مردم با دورترین‌ها پیوند برقرار می‌کنند ولی نزدیکترین‌ها را به فلاکت و بدبختی می‌کشند.

۵- نگاه نکردن و توجه نکردن به سوی والدین در وقت تکلم: یعنی کسی به والدین خود با خشم و غضب یا تحقیر نگاه کند. معاویه بن اسحاق از عروه بن الزبیر روایت می‌کند که فرموده است: «ما برّ والده من شدّ الطرف

إليه»^(۱) کسی که چشم خود را از توجه به سوی والدین ببندد به آن‌ها نیکی و احسان نکرده است.

۶- دستور دادن والدین: یعنی این که کسی پدر و مادرش را مثلاً به جارو زدن خانه با شستن لباس و آماده کردن غذا امر کند در حالی که این کار اصلاً جایز نیست به ویژه اگر مادر، مریض یا پیر باشد یا به خاطر عذری توانایی انجام آن کار را نداشته باشد. اما اگر مادر با طیب خاطر و رغبت دل این کار را انجام دهد و عذری هم نداشته باشد اشکالی ندارد. با این حال باید از والدین تشکر و قدردانی و برای آن‌ها دعا کرد.

۷- انتقاد از غذایی که مادر آماده کرده است: شخص با این کار خود، در واقع دو امر خلاف را انجام می‌دهد: ۱- عیب گرفتن از غذا، در حالی که این عمل جایز نیست زیرا رسول خدا ﷺ اصلاً از غذایی ایراد نمی‌گرفتند، اگر مورد پسند بود میل می‌کردند، در غیر این صورت آن را ترک می‌نمودند. ۲- به دلیل آن که مادر غذا را آماده کرده است، به او بی‌ادبی می‌شود.

۸- کمک نکردن در امور منزل: خواه در نظم و ترتیب دادن به منزل باشد یا آماده کردن غذا یا کارهای دیگر، بعضی از پسران این کار را موجب حقارت و کسر شأن خود می‌دانند و بعضی از دختران با وجود آن که رنج کشیدن مادر را در امور منزل مشاهده می‌کنند، از کمک رساندن به او دریغ نمی‌نمایند و حتی بعضی از آن‌ها اوقات طولانی را در گفت و گوهای بیهوده با دوستان و هم‌سن و سال‌های خود تلف می‌کنند اما در کارها به مادر خود یاری نمی‌رسانند.

۹- روی برگردانیدن از والدین در هنگامی که سخن می‌گویند: یعنی این که شخص به پدر و مادر توجه نکند یا سخن آنان را قطع کند و یا تکذیب

نماید یا با آن‌ها مجادله کند یا در هنگام خصومت به آن‌ها حمله‌ور شود با خشونت با آنان سخن بگوید. می‌توان تصور کرد که با اعمال، چقدر نسبت به پدر و مادر بی‌ادبی می‌شود و شأن آنان تحقیر می‌گردد.

۱۰- توجه نکردن به رأی و نظر والدین: بعضی از افراد هیچ‌گاه با والدین خود مشورت نمی‌کنند و در مسایل زندگی خود از آن‌ها اجازه نمی‌خواهند. از جمله در مسایلی مانند ازدواج، طلاق، خارج شدن از منزل، سکونت گزیدن در جای دیگر، راه رفتن و مسافرت با دوستان و هم‌سن و سال‌ها و مانند آن.

۱۱- اجازه نگرفتن در وقت دخول بر والدین: این کار نیز خلاف ادب است زیرا پدر و مادر گاهی اوقات ممکن است در حالتی باشند که نخواهند کسی آن‌ها را ببیند.

۱۲- آشکار کردن مشکلات در مقابل والدین: رنج‌ها و مشکلات مختلفی که ممکن است شخص با برادران، همسر، فرزندان یا دیگر افراد داشته باشد. بعضی از افراد اگر بخواهند یکی از افراد خانواده را بر خطایی سرزنش کنند، مایلند که این کار را در مقابل والدین انجام دهند. در حالی که فکر نمی‌کنند این کار سبب رنجش خاطر آن‌ها می‌شود.

۱۳- بدگفتن از والدین و عیبجویی و ذکر عیوب والدین: بعضی از افراد اگر در کار ناکام شوند مثلاً در درس خود قبول نشوند، بهانه‌های بسیار می‌آورند و ناکامی‌های خود را به والدین خود نسبت می‌دهند و عذر می‌آورند که والدینشان در این مورد اهمال کرده‌اند و آن طور که باید آن‌ها را تربیت نکرده‌اند و زندگیشان را خراب کرده‌اند و آینده‌شان را بر باد داده‌اند و چیزهای دیگر.

۱۴- دشنام دادن و لعن والدین: این صورت یا مستقیماً انجام می‌گیرد یا با روش‌های دیگر مثلاً شخصی پدر و مادر دیگر را دشنام می‌دهد متقابلاً آن

شخص هم پدر و مادر این شخص را دشنام می‌دهد. چنان‌که در حدیثی از رسول خدا ﷺ این موضوع بیان شده است. عن عبد الله بن عمرو رضی الله عنه: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مِنْ الْكَبَائِرِ شَتْمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ قِيلًا: وَهَلْ يَسُبُّ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَسُبُّ أَبَا الرَّجُلِ، فَيَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَاهُ، وَيَسُبُّ أُمَّهُ فَيَسُبُّ أُمَّهُ» از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «از جمله بزرگترین گناهان، دشنام دادن شخص به پدر و مادر خویش است. یاران فرمودند: ای رسول خدا ﷺ! آیا شخص پدر و مادرش را دشنام می‌دهد؟ فرمودند: بلی. پدر شخص دیگری را دشنام می‌دهد، پس او هم در عوض پدرش را دشنام می‌دهد و مادر شخصی را دشنام می‌دهد، او هم در عوض مادرش را دشنام می‌دهد».

۱۵- داخل کردن منکرات در منزل: مانند آوردن آلات لهو و موسیقی و وسایلی که سبب هلاکت و فساد خود شخص می‌شود و چه بسا سبب هلاکت و فساد برادران و اهل خانواده او قرار می‌گیرد. طوری که حتی پدر و مادر هم به خاطر آن‌ها بدبخت می‌شوند و خانواده از راه حق و هدایت منحرف می‌گردد.

۱۶- انجام دادن منکرات و کارهای خلاف شرع در مقابل والدین: از جمله نوشیدن شراب، کشیدن سیگار، شنیدن موسیقی (ترانه و غیره)، خوابیدن در وقت نمازهای فرض، بیدار نشدن در زمانی که والدین او را بیدار می‌کنند، آوردن دوستان ناباب به منزله و غیره - تمامی این کارها دلالت بر بی‌حیایی و بی‌توجهی به ارزش والدین است.

۱۷- خدشه‌دار کردن اسم و رسمشان به: به این صورت که شخص، اعمال سیئه و گناهان و افعال پست را انجام می‌دهد و چه بسا منجر به رسوایی و زندان رفتن می‌گردد. این مسأله به آن دلیل از موارد نافرمانی والدین به شمار می‌رود که سبب غم و اندوه و بی‌آبرویی آنان است.

۱۸- والدین را در حرج و تنگنا و سختی قرار دادن: مثلاً شخص اشیایی را برای خود خرید می‌کند و پولش را نمی‌پردازد و دینی را که بر گردن اوست سبب در تنگنا قرار گرفتن والدین می‌شود. یا این که مثلاً شخص در مدرسه بی‌انضباطی و قانون‌شکنی می‌کند و مسئولین مدرسه مجبور می‌شوند. والدین او را احضار کنند. چه بسا افرادی هستند که به خاطر دین [قرض] فرزندشان حبس می‌شوند و صاحب دین، والدین را مجبور می‌کند تا دین فرزندشان را ادا کنند یا خودش را تحویل [قانون] بدهد.

۱۹- زمان طولانی در خارج از منزل ماندن: این از جمله اموری است که سبب نگرانی و پریشانی والدین و موجب ناراحتی آنها می‌شود و چه بسا پدر و مادر به کمک فرزند خود احتیاج دارند در حالی که فرزندشان در خارج از منزل به سر می‌برد و کسی نیست که به آنها کمک کند.

۲۰- سخت‌گیری بر والدین با طلب کردن اشیاء زیاد: گاهی اوقات افرادی یافت می‌شوند که بر والدین خود سخت می‌گیرند و چیزهای زیادی را طلب می‌کنند، در حالی که والدین تنگدست و فقیرند و فرزند هم از وضعیت پدر و مادر مطلع است اما باز هم بر مطالبات خود اصرار دارد. مثلاً اصرار بر خریدن ماشین، موتورسیکلت، و اشیاء دیگر، ازدواج، خرید مسکن جدید و کامل، طلب کردن مال زیاد برای آن که هم‌طراز دوستان خود قرار بگیرد. و در مقابل آنها شرمنده نشود در حالی که انسان باید در امور دنیا و به پایین‌ترین از خود و در امور آخرت به بالاتر از خود نگاه کند تا از او سبقت گیرد و این امر سبب تقرب او به سوی خداوند شود.

۲۱- ترجیح دادن زن بر والدین: عده‌ای از مردم اطاعت از زن خود را مقدم بر اطاعت از والدین خود می‌دانند و همسرشان را بر والدین خود ترجیح می‌دهند و حتی اگر همسرشان بخواهد که او والدین خود را ترک کند ترکشان می‌کند، حتی اگر به جایی و سرپناهی غیر از منزل آنها نداشته

باشد. بعضی از فرزندان آن قدر در محبت ورزیدن به همسر خود مبالغه می‌کنند که در مقابل والدین هم بدون هیچ‌گونه خجالت و شرمندگی به او اظهار محبت می‌کنند و گاهی اوقات به خاطر همین مسأله بر والدین خود خشم می‌گیرند و حق و حقوق آن‌ها را رعایت نمی‌کنند. توضیح بیشتر این مسأله در صفحات آینده خواهد آمد.

۲۲- خلوت گزیدن و دور شدن از والدین در بزرگسالی، در زمانی که آن‌ها به فرزند خود احتیاج دارند: بعضی از فرزندان هنگامی که بزرگ می‌شوند و صاحب کار می‌شوند که در مقابل آن پولی به دست می‌آورند، از والدین دوری می‌گزینند و فقط به کار خودشان مشغول می‌شوند و به والدین یاری نمی‌رسانند و چه بسا حتی خیلی کم هم به ملاقات آن‌ها می‌روند.

۲۳- تبرّی جستن از والدین و از نسبت دادن خود به آن‌ها و از ذکر نامشان شرمنده شدن: این مورد از زشت‌ترین موارد نافرمانی والدین است. مثلاً بعضی از افراد که در اجتماع دارای پست و مقام و شأن و شوکت می‌شوند از این که بگویند من فرزند فلان شخص هستم خجالت می‌کشند و خود را از آن‌ها بَرّی می‌دانند و اگر آن‌ها در خانه باشند از این که با دوستان خود به آنجا بروند شرمنده می‌شوند و اگر کسی پدر و مادرشان را ببیند و در موردشان سؤال کند، می‌گویند: این‌ها خدمتگزاران من هستند. حتی بعضی از افراد از ذکر نام پدر خود در مناسبات و مجالس عمومی جلوگیری می‌کنند. به خاطر این که خجالت می‌کشند و این کار بر پستی شخص، بی‌خردی و حقارت شأن او دلالت می‌کند و گرنه انسان با کرامت و عزتمتد با نسبت شریف و نجیب خود احساس غرور و عزت و سربلندی می‌کند:

إن الكرام إذا ما أيسرو ذكروا من كان يألفهم في المنزل الخشن

انسان‌های بزرگوار چون به آسایش برسند از کسانی یاد می‌کنند که در سختی یار و همدمشان بوده‌اند.

۲۴- تجاوز به والدین با کتک زدن آن‌ها: این کار، تنها ممکن است از افراد سخت دل و قسی‌القلب صادر شود. افرادی که قلب آن‌ها از رحمت و مهربانی و حیا خالی است و ارزش و اعتباری در جامعه ندارند و شهادت و جوانمردی در آنان یافت نمی‌شود.

۲۵- رها کردن آن‌ها در وقت ناتوانی و نیاز به مراقبت: و این عمل نهایت پستی، زشتی و پلیدی است که از ترس آن لرزه بر اندام می‌افتد و از گفتنش موی بدن سیخ می‌شود و کسی که این عمل را انجام می‌دهد هیچ خیری در او وجود ندارد.

۲۶- ترک کردن والدین و احسان و خیرخواهی نکردن در مورد آنان در صورتی که خطایی از آنان سر زده باشد: این کار یک نوع خلل و بی‌خردی است که شخص نسبت به والدین انجام می‌دهد زیرا که نیکی و احسان به والدین اگر چه کافر باشند واجب است. می‌توان تصور کرد، در صورتی که پدر و مادر مسلمان باشند، چگونه است. هیچ انسانی خالی از خطا نیست و پدر و مادر هم ممکن است اشتباهاتی داشته باشند.

۲۷- بخل و خرج نکردن برای والدین: بعضی از مردم در مورد خرج و نفقه بر والدین بخل می‌ورزند و اگر هم نفقه‌ای به آنان بپردازند، بسیار کم است. حتی اگر پدر و مادرشان احتیاج شدیدی هم داشته باشند هیچ باکی ندارد. و حتی به کمک کردن به آن‌ها نمی‌اندیشند.

۲۸- منت گذاشتن بر والدین: برخی از افراد به پدر و مادر خود احسان و نیکی می‌کنند اما در مقابل، آن را با منت گذاشتن و اذیت کردن و بر شمردن نیکی‌های خود فاسد می‌کنند و اجرش را از بین می‌برند.

۲۹- دزدی از والدین: شخص با این کار خود در واقع دو عمل خلاف انجام می‌دهد: ۱- دزدی ۲- نافرمانی والدین. گاهی اوقات اشخاصی که محتاجند، از والدین خود دزدی می‌کنند. گاه از پیری و غفلت آن‌ها سوء استفاده می‌کنند. گاه، آن‌ها را فریب می‌دهند و پولی را مثلاً برای خرید زمین یا چیز دیگر مطالبه می‌نمایند اما بر خلاف قول خود عمل می‌کنند. گاهی والدین خبر ندارند و فرزندشان به حساب آن‌ها پولی قرض می‌گیرد و والدین مجبور می‌شوند آن را ادا کنند.

۳۰- ناله کردن و اظهار درد و مصیبت در مقابل والدین: این هم یکی از صورت‌های بسیار زشت، نافرمانی والدین است زیرا والدین، خصوصاً مادر، به خاطر درد و مصیبت فرزند حتی گاهی بیشتر از او احساس پریشانی و درد می‌کنند.

۳۱- دور شدن از والدین و غربت بدون کسب اجازه از آن‌ها، بی‌آنکه احتیاجی به این کار باشد: بعضی از فرزندان اثر دوری از والدین خود را احساس نمی‌کنند و تلاش می‌کنند که از آنان دور باشند و به شهر یا روستای دیگر مسافرت کنند، بدون آنکه احتیاجی به آن کار باشد و از پدر و مادر اجازه گرفته باشند. محلی را که پدر و مادر در آنجا زندگی می‌کنند، بدون علت و سببی ترک می‌کنند. گاهی اوقات برای تحصیل علم به شهر دیگری می‌روند و غربت را تحمل می‌کنند در حالی که در محل سکونت پدر و مادرشان هم امکان تحصیل هست و نسبت به سایر شهرها کم و کاستی ندارد. فرزند نمی‌داند که غربت و دوری از والدین سبب حسرت و اندوه و پریشانی آنان می‌شود و چه بسا یکی از والدین یا هر دو وفات می‌کنند و فرزندشان نیکی و احسانی در حق آنان انجام نداده و هنگام مرگ نیز بر بالین آن‌ها نبوده است. در حالی که با میل و اختیار خود، دوری از آنان را

برگزیده است. اما اگر دور شدن و غربت ضرورت داشته باشد و والدین اجازه دهند، هیچ‌گونه حرجی نیست و اشکالی ندارد.

۳۲- آرزو کردن زوال والدین: بعضی از فرزندان دعا و آرزو می‌کنند که هر چه زودتر والدینشان از دنیا بروند، یا به خاطر به ارث بردن ثروتشان یا در صورتی که بیمار یا فقیر باشند، به خاطر راحت شدن از زحمت مراقبت از آنان. در حالی که احسان به پدر و مادر، سبب ارزش و عزت انسان و خشنودی پروردگار است.

۳۳- کشتن والدین و خلاصی و نجات از آن‌ها: گاهی اوقات، فرزندان در نهایت شقاوت اقدام به قتل پدر و مادر خود می‌کنند یا به خاطر جهالت، یا به علت تحریک غضب یا به خاطر مستی یا طمع در میراث والدین یا اسباب و علل دیگر اگر خداوند عز و جل چنین شخصی را مشمول رحمت خود نکند، چقدر بدبخت و روسیاه است و چه عاقبت بدی دارد!

مواردی که ذکر شد بعضی از صورت‌های نافرمانی والدین است. این اعمال ناپسند و راه‌های خلاف شرع شایسته‌ا‌هل خرد نیست و از اهل تقوا و صلاح سر نمی‌زند.

با این توضیحات می‌توان تصور کرد، کسانی که نافرمانی والدین را انجام دهند یا به مواردی که ذکر شد نزدیک شوند، چقدر از خیر دور هستند و آنان که مطیع پدر و مادر خویشند، چقدر خوشبختند.

بر هیچ کس پوشیده نیست که نافرمانی والدین، چه عذاب‌هایی را به دنبال دارد و آنان که با پدر و مادر خود چنین رفتاری داشته‌اند، به چه رسوایی و عذابی گرفتار شده‌اند.

۳- چند قصه از نافرمانی والدین

اصعمی روایت کرده است که در زمان عبدالملک بن مروان، شخصی بود که پدرش در قید حیات بود و این جوان نافرمانی پدر می‌کرد و به او «منازل» می‌گفتند در همین مورد، شاعر شعری سروده است که در ذیل می‌آید:

جزت رحم بینی و بین منازل جزاء کما یستنجز الدین طالبه
خویشاوندی، میان من و منازل پاداش داد، همانند پاداش طلبکاری که پرداخت دین خود را درخواست می‌کند. (یعنی هنگامی که طلبکار، از مدیون پرداخت وام خود را طلب می‌کند، باید از جانب مدیون با واکنش خوبی روبرو شود، اما متأسفانه با برخورد نامناسبی از جانب او مواجه می‌شود. همچنین پدر به خاطر حقی که بر گردن فرزندش دارد، از او توقع برخورد معقول و مناسبی را دارد، ولی رفتار فرزند برعکس آن است.

تربت حتی صار جعداً شمردنا إذا قام ساوی غارب الفحل غاربه
پرورش یافت تا جوانی قوی و بلند قامت گشت. هنگامی که می‌ایستد، شانه و گردن او با شانه و گردن شتر برابری می‌کند (یعنی قوی و بزرگ شده است).

تظلمنی مالی کذا و لوی یدی لوی یده الله الذی لایبالغه
با ظلم و ستم مالم را گرفت و دستم را درهم پیچید و کوتاه کرد. خدای غالب و برتر دست او را درهم پیچید و کوتاه کند.

وانی لداع دعوة لو دعوتها علی جبل الریان لانهدّ جانبه
همانا دعایی را می‌خوانم که اگر آن را بر کوه ریان بخوانم اطراف و جوانب آن درهم می‌ریزد و می‌افتد (منظور نفرین است. یعنی چنان دعای بد و نفرینی در حق این فرزند ناخلف می‌کنم که نابود شود).

این عمل جوان به گوش امیرشان رسید. به دنبال جوان فرستاد تا او را مؤاخذه کند. شیخ به فرستاده امیر گفت که او از خانه بیرون رفته است. فرستاده برگشت و بعد از مدتی آن جوان صاحب فرزندی شد که مانند خود او نافرمانی والدین را انجام می‌داد، در اواخر دوران زندگی او را نافرمانی می‌کرد.

سپس شاعر گفت:

تظلمني مالي خليج وعقني علی حین کانت کاحتی عظامي

در حالی که فرزندم خلیج، مالم را به زور و ظلم گرفت و نافرمانی کرد که استخوان‌هایم ضعیف شده است (یعنی در حال پیری و ناتوانی که نیاز به خدمت و کمک داشت، به او ستم کرد).

تخیرتَه وازدده لیزیدي وما بعضي- مایزداد غیر عرام

او را برگزیدم و بسیار به او خدمت کردم تا به من خدمت فراوان کند، و آن چه من فکر می‌کردم غیر از سختی و آزار و اذیت نبود (یعنی به امید روزگار پیری و ناتوانی بر تربیت و خدمتش افزودم و او را برگزیدم ولی او (خلیج) در عوض محبت و احسان، رفتار مرا با خشونت و بدرفتاری پاسخ داد.

لعمري لقد ريتَه فرحاً به فلا يفرحنّ بعدي امرؤ بغلام

به جان خودم سوگند که او را تربیت کردم تا به وسیله او خوشحال شوم که بعد از من هیچ کس به سبب فرزند و زندگی به اندازه من خوشحال نشود (یعنی او را به خوشحالی تربیت کردم که روزی از دین او و رفتار و برخورد و احسان و خدمتش بهره‌مند شوم و لذت ببرم و شادمان گردم، اما همه آرزوهایم نقش بر آب شد و هیچ لطف و محبت و ادب و احترامی از او ندیدم).

بعد از این امر، والی قصد زدن جوان را داشت که او به والی گفت: «عجله نکن. این اشعار در مورد منازل بن فرعان است که پدرش سروده است».

جزت رحم بینی و بین منازل جزاء کما یستنجز الدین طالبه
وی نیز به جوان گفت: ای جوان به سبب آن که نافرمان بودی فرزندت از تو نافرمانی می کند.

۲- در اینجا قصه دیگری ذکر می شود که شخص از نافرمانی فرزندش اندوهگین است و این اشعار، فرزند نافرمان خود را سرزنش می کند:

غذوتک مولوداً ومنتک یا فعاً تعلّ بما أجنی علیک و تنهل
در کودکی به تو غذا دادم و در جوانی مشقت تو را تحمل کردم و تو آرام پرورش می یافتی و همچنین به خاطر شفقت بر من آب خورانده شدی.

إذا لیلۃ نالتک بالشکوم أبت لشکواک إلا ساهراً أتململ
اگر شبی در وجود تو درد و ناراحتی پیدا می شد، تمام آن شب را به خاطر تو بیدار بودم و از بی تابی بر خود می پیچیدم و به خاطر تو آرام نداشتم.

کأنی أنا المطروق دونک بالذی طرقت به دونی وعینی تهمل
گویی من به درد و مصیبت گرفتار بودم نه تو و دائماً چشمانم اشک باران بود (یعنی در شب بیماری تو، من احساس رنج و درد می کردم و اشک می ریختم).

تخاف الردی نفسی- علیک وأنها لتعلم أن للموت وقت مؤجل
از ترس از دادن تو قلبم در تپش بود، در حالی که برای مرگ وقت معینی است (یعنی می ترسیدم که بر اثر بیماری از بین بروی، اگرچه در زمان مرگ تقدیم و تأخیر نمی شود).

فلما بلغت السن والغاية التي إليها مد ما كنت فيك أو ممل

در زمانی که به سنی که آرزو داشتیم رسیدی و به این امید بودم که به من در آن زمان خدمت کنی و از تو بهره‌ای حاصل کنم.

جعلت جزائي غلظةً كانك أنت المنعم المتفضل

اما تو پاداشم را با خشونت و بداخلاقی دادی، گویی تو بر من احسان و بخشش نموده‌ای (یعنی در عوض آن همه احسان پدر، فرزند ناخلف با خشونت و بدرفتاری با پدر برخورد می‌کند، انکار او به پدر احسان کرده که اکنون منت می‌گذارد).

فليتك ان لم ترع حق ابوتي فعلت كما الجار المجاور يفعل

ای کاش اگر حق پدر و فرزند را رعایت نمی‌کنی و احترام پدر را به جای نمی‌آوری حداقل مانند یک همسایه مجاور عمل کردی، یعنی، پدر را مانند همسایه به حساب می‌آوردی یا برخوردی مانند همسایه می‌داشتی.

ما وليتني حق الجوار ولم تكن عليّ بهالي دون مالك تبخل

پس حق همسایگی را می‌دادی و بر من از مال خودم بخل نمی‌ورزیدی، یعنی حداقل از مال شخص من بر من خرج می‌کردی نه از مال خود زیرا مال نداشتی.

تراه معداً للخلاف كأنه بردّ على أهل الصواب مؤكلاً

او را آماده مخالفت می‌بینی، گویی او بر رد نمودن اهل صواب موکل شده است (یعنی در هر کاری مخالفت می‌کند. انکار به او سپرده شده که در هر کاری مخالفت کند).

۳- دکتر محمد الصباغ فرموده است: یکی از فرزندان ناخلف و ناهل پدرش را به خانه سالمندان سپرد تا به قول خودش از شر پدرش خلاص شود و به تنهایی با زن خود عیش و نوش کند.

۴- استاد عبدالرئوف حناوی رحمته می‌گوید: «خویشاوندی داشتم که پدرش ثروت زیادی برای او به جا گذاشته بود و مالک زمین‌های متعدد و یکی از بزرگترین تجار بود. روزی پدر بر فرزندش خشم گرفت و با سخت‌دلی تمام، علیه فرزندش دعا کرد. سپس آن شخص فقیر شد و مشکلات زیادی دامنگیر او گشت و وفات نمود. در حالی که هیچ‌گاه بر راه غیر شرع نرفته بود و خلاف و فحشا نیز انجام نداده بود و مرتکب حرام نیز نشده بود. یادم هست که پدرم رحمته به او صدقه می‌داد و از خانه ما برای او و خانواده‌اش غذا می‌فرستاد.

۴- اسباب نافرمانی والدین

نافرمانی والدین دارای اسباب زیادی است که در اینجا چند مورد را بیان می‌نماییم:

۱- جهل و نادانی: نادانی و جهالت یک مرض کشنده و از بین برنده انسان است و جاهل، دشمن خویش است اگر شخصی از عواقب نافرمانی والدین در حال یا آینده، ناآگاه باشد و همچنین از ثمرات نیکی و احسان به والدین در حال یا آینده اطلاعی نداشته باشد، ناآگاه او موجب نافرمانی والدین و دور شدن از نیکی و احسان به آنان می‌شود.

۲- تربیت سوء بد: اگر پدر و مادر فرزندان خود را خوب تربیت نکنند و آن‌ها را به تقوی و نیکی و احسان و صلح رحم و طلب مقام‌های رفیع تشویق نمایند، نتیجه آن تمرد و سرکشی و نافرمانی والدین است.

۳- اختلاف و تناقض در تعلیم فرزندان: گاهی پدر و مادر فرزند خود را تعلیم می‌دهند اما دقیقاً بر شکل و محتوای تعلیم خود واقف نیستند و چه بسا به آن‌ها تعلیم نادرست و خلاف اخلاق می‌دهند، که در نتیجه آن سرکشی و نافرمانی والدین است.

۴- همنشین بد برای فرزند: داشتن همنشین بد، سبب فساد و هلاکت فرزند می‌شود و او را بر نافرمانی والدین جدی و سرکش می‌کند، زیرا دوست بد، فرزند را به نافرمانی والدین تشویق می‌نماید.

۵- نافرمانی والدین از پدر و مادر خود: این مورد یکی از مهمترین علل نافرمانی والدین است هنگامی که والدین نافرمانی پدر و مادر خود را کرده باشند، به خاطر این رفتار سزای عمل خود را می‌چشند و فرزندان ایشان هم والدین خود را نافرمانی می‌کنند و این هم به دو دلیل است:

الف) فرزندان در این کار از پدر و مادر خود تقلید می‌کنند.

ب) جزای کار والدین نیز از جنس عمل خودشان است.

۶- قلت یا نداشتن تقوا و ترس از خدا در هنگام طلاق: بعضی از والدین هنگامی که بین آن‌ها طلاق انجام می‌گیرد از خداوند عز و جل هیچ‌گونه ترسی ندارند و طلاق هم بین آن‌ها با احسان واقع نمی‌شود بلکه هر یک، فرزندان را علیه دیگری تحریک می‌کند هر گاه فرزند به نزد مادر می‌رود او تمامی مصیبت‌ها و مشکلات خود را برای فرزندش بازگو می‌نماید و او را علیه پدر تحریک می‌کند تا او را ترک کند همچنین هنگامی که به نزد پدر می‌رود مشکلات را برایش بازگو می‌کند و او را علیه مادرش تحریک می‌کند و نتیجه این کار چیزی جز نافرمانی والدین نیست و سبب آن هم خود والدین هستند چنان‌که ابوذویب الیهذلی در شعری گفته است:

فلا تغضبین فی سیرة أنت سرتها وأول راض سنه من یسیرها

بر آن روشی که خود آن را پایه‌گذاری کرده‌ای ناراحت مباش زیرا هر کس بر هر روشی که پایه‌گذاری می‌کند باید راضی باشد.

۷- تفرقه بین فرزندان: این کار سبب اختلاف و بغض و حسادت بین فرزندان می‌شود. طوری که هر یک از دیگر متنفر می‌شود و حتی سبب خشم والدین می‌گردد و فرزندان آن‌ها را ترک می‌کنند و در هیچ کاری با والدین مشورت نمی‌کنند.

۸- ترجیح دادن راحتی و ترک کردن والدین: بعضی از اشخاص که پدر و مادر بیماری دارند مایلند که به نحوی از زحمت مراقبت از آن‌ها آسوده شوند یا آن‌ها را به خانه سالمندان می‌سپارند یا در جایی دور از والدین سکونت می‌گزینند و یا به دنبال چاره‌ی دیگری هستند در حال که آسودگی و آرامش و در کنار والدین لذت‌بخش است و نیکی کردن به آنان در انسان ایجاد می‌کند.

۹- تنگ نظر بودن: بعضی از فرزندان آن قدر تنگ نظر هستند که نمی‌خواهند کسی در خانه خطایی انجام دهد مثلاً اگر کسی شیشه‌ی خانه را بشکند یا اثاث منزل را درهم بریزد، بسیار عصبانی می‌شوند و بر آن شخص خشم می‌گیرند و خانه را بر سرش خراب می‌کنند که این کار سبب ناراحتی و رنجش والدین می‌گردد و حتی بین آن‌ها کدورت واقع می‌شود.

همچنین گاهی اوقات بعضی از فرزندان از اوامر والدین خود سرپیچی می‌کنند و خصوصاً هنگامی که یکی از آن دو یا هر دو غضبناک و سخت‌دل باشند در مقابل، فرزند هم با تنگ نظری در برابر آنان قرار می‌گیرد.

۱۰- کمک نکردن والدین به فرزند خود در انجام کارهای نیک و احسان: بعضی از والدین در انجام کارهای نیک به فرزندان خود کمک نمی‌کنند و در هنگام انجام کارهای نیک آن‌ها را ترغیب و تشویق نمی‌نمایند در حالی که بر انسان واجب است که در حق والدین احسان و نیکی کند

هنگامی که فرزندان ترغیب و تشویق را از جانب والدین احساس نکنند، چه بسا خسته می‌شوند و احسان و نیکی را ترک می‌کنند یا در انجام آن کوتاهی می‌نمایند.

۱۱- بد اخلاق بودن همسر: بعضی از افراد، همسران بسیار بد اخلاقی دارند که ترسی از خدا عز و جل ندارند و حقوق زن و شوهری را رعایت نمی‌کنند. گاه در دل شخص نسبت به پدر و مادرش کینه ایجاد می‌کنند و گاه شوهر خود را به سرکشی و سرپیچی از اوامر والدین تحریک می‌کنند و آن‌ها را مجبور می‌کنند که پدر و مادر خود را ترک کنند و به آن‌ها احسان و نیکی نکنند و تمام توجه خود را به زن خود معطوف کنند.

۱۲- احساس پدر و مادری نکردن: بعضی از پدر و مادرها، احسان پدر و مادر بودن را ندارند. به همین علت، اغلب اوقات، اگر از فرزندشان عمل خلافی سر بزند او را سرزنش نمی‌کنند. مثلاً در مورد اعمالی مثل تأخیر در آمدن به منزل، دور بودن از والدین، آزار والدین و سایر نافرمانی‌هایی که فرزند انجام می‌دهد، عکس‌العملی نشان نمی‌دهند.

علل و اسبابی که ذکر شد، موجب نافرمانی والدین می‌شود که موظفیم به آن‌ها توجه کنیم و فرزندانمان را نیز به آن‌ها متوجه گردانیم. خداوند عز و جل همه‌ی ما را اهل اصلاح و تزکیه و تقوا قرار دهد آمین.

۵- راه علاج

در صفحات گذشته بیان شد که حق والدین بسیار بزرگ است و ترغیب و تشویق در مورد نیکی و احسان به والدین و تحذیر از نافرمانی والدین بسیار مؤثر است و انواع و اسباب نافرمانی والدین نیز بیان شد.

چقدر شایسته است که هر شخص عاقل، به خاطر انتظار ثواب و پاداشی که از خداوند عز و جل دارد و همچنین به خاطر ترس از عذاب خداوند عز و جل، بر احسان و نیکی به والدین خود حریص باشد و نهایت تلاش خود را در این مورد به کار ببرد و از نافرمانی والدین اجتناب کند.

با این توضیحات، انسان باید معنای نیکی و احسان به والدین را بداند و آداب آن را بشناسد و از اموری که انسان را به انجام آن یاری می‌کند، آگاه باشد. از فصل بعد به شرح و توضیح این موارد خواهیم پرداخت.

فصل دوم: نیکی و احسان

۱- تعریف نیکی و احسان به والدین (برّ)

مفهوم برّ والدین، مقابل عقوق یا نافرمانی والدین است. ابن منظور رحمته («برّ» را ضد عقوق دانسته است) یعنی، فرمان برداری از پدر و مادر و احسان و نیکی به آن‌ها.

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده که فرموده است: خداوند جل جلاله به این دلیل آن‌ها را ابرار نامیده است که آن‌ها به پدر و مادر و فرزندان خود نیکی و احسان می‌کنند و از آن‌ها فرمانبرداری می‌کنند و همچنین گفته شده است همان طور که تو بر فرزندت حق و حقوقی داری فرزند تو نیز بر تو حق و حقوق دارد.

۲- آدابی که در مورد والدین رعایت می‌شود

در اینجا آدابی را که رعایت کردن آن‌ها در مورد والدین مناسب است، بیان می‌کنیم تا شاید بتوانیم با رعایت این موارد، قسمتی از حقوق پدر و مادر را ادا کنیم و با انجام آنچه خداوند جل جلاله بر ما واجب کرده است، نزد او سرافراز و پیروز باشیم و رعایت این امور سبب گشادگی قلب، سلامتی و آرامش در زندگی شود و همچنین به این وسیله امور زندگیمان آسان گردد، خداوند جل جلاله در عمرمان برکت دهد و گناهانمان را عفو فرماید.

۱- اطاعت از والدین و اجتناب از معاصی و خطاهای آنان: اطاعت از والدین بر هر شخص واجب است اگرچه باید از معاصی و خطاهای آنان اجتناب کند. هر انسان مسلمانی باید اطاعت والدین را بر اطاعت هر شخص

غیر از رسول خدا ﷺ مقدم بدارد تا زمانی که به معصیت خدا ﷻ و رسول ﷺ و سرپیچی از دستورات الهی امر نکنند. البته زنان از این مسئله مستثنی هستند، زیرا اطاعت از شوهر مقدم بر اطاعت والدین است.

۲- نیکی و احسان کردن به والدین: خواه با گفتار، یا کردار یا به صورت‌های دیگر باشد.

۳- گستردن بال‌های تواضع در برابر والدین: اطاعت از والدین، خود نوعی از تواضع است و همچنین فرزندان باید با حالت فروتنی در مقابل والدین قرار گیرند.

۴- اجتناب از ناراحت کردن والدین: فرزند باید پدر و مادر را با نرمی مورد خطاب قرار دهد و با کلام شیوا و مناسب با آنان سخن بگوید و از بلند کردن صدای خود در مقابل آن‌ها و آزار رسانیدن به آن‌ها پرهیز کند.

۵- توجه نمودن به والدین: یعنی در هنگام سخن گفتن، چهره‌ی خود را به طرف آن‌ها برگرداند و مواظب رفتار خود باشد. هنگامی که سخن می‌گویند سخن آن‌ها را قطع نکند یا با آن‌ها مجادله و تنازع نکند و همچنین از رد کردن یا تکذیب نمودن سخن آنان پرهیز کند.

۶- شاد شدن از اجرای دستورات والدین: فرزندان باید از اجرای دستورات والدین اظهار شادمانی کنند. و از گفتن کلماتی مانند (أف) که پدر و مادر را آزرده می‌سازد پرهیز نمایند چنان‌که خداوند فرموده است: ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ﴾.

از اینکه کلمه‌ای (أف) بگویید که باعث رنجش والدین شود پرهیز کنید و به آن‌ها کمترین آزاری هم نرسانید.

۷- خوشرویی کردن با والدین: یعنی در هنگام روبرو شدن با والدین با خوشرویی و خوشحالی رفتار کند و از ترشرویی و جمع کردن پیشانی پرهیز نماید.

۸- دوستی و محبت با والدین: سبقت گرفتن در سلام، بوسیدن دست و سر آنها، گذاشتن جای باز برای آنها در مجالس، دراز نکردن دست به سوی غذا و نوشیدنی قبل از والدین در روز، پشت سر والدین راه رفتن و در شب جلوتر از آنها قدم برداشتن خصوصاً اگر راه تاریک باشد یا کانال و چاهی وجود داشته باشد اما اگر راه روشن و واضح باشد پشت سر آنها راه رفتن اشکالی ندارد.

۹- با احترام نشستن در مقابل والدین: خوب نشستن، پرهیز کردن از آن کارهایی که به وی اهانت و بی‌حیایی نسبت به والدین از آن استشمام می‌شود؛ مثل دراز کردن پا، خنده‌ی قهقهه در روبروی آنها، و آنچه بر بی‌ادبی دلالت کند.

۱۰- اجتناب از منت گذاشتن در هنگام خدمت یا در وقت بخشش و هدیه دادن به والدین: منت گذاشتن عملی است که ارزش کار انسان را منهدم می‌کند و از بین می‌برد و جزء خوهای زشت است. اگر منت گذاشتن درباره والدین باشد، زشتی و قبح آن خیلی بیشتر است فرزند باید تا حد توان خود در خدمت والدین باشد و با این وجود به کوتاهی خود در بخشش و خدمت به آنها اعتراف کند و از آنان به خاطر آن که استطاعت ادای حق آنها را ندارد، عذر بخواهد زیرا والدین به خاطر فرزندان خود زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند.

۱۱- مقدم بودن حق مادر: حق مادر از اموری است که باید رعایت شود و مقدم بر هر کاری است و همچنین مهربانی و احسان و نیکی در حق مادر مقدم بر مهربانی و عطوفت و احسان در حق پدر است در حدیثی از حضرت

ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِحُسْنِ الصُّحْبَةِ مِنِّي؟ قَالَ: امك، قال: ثم من؟ قال: امك، قال: ثم من؟ قال: امك، قال: ثم من؟ قال: ابوك».

مردی به نزد رسول خدا ﷺ آمده، گفت: یا رسول الله ﷺ چه کسی به خوش رفتاریم سزاوارتر است؟ فرمود: مادرت. گفت: باز چه کسی؟ فرمود: مادرت. گفت: باز چه کسی؟ فرمود: مادرت. گفت: باز چه کسی؟ فرمود: پدرت.

ابن بطال در شرح حدیث می فرماید: مقتضای حدیث این را می رساند که حق مادر سه برابر حق پدر در نیکی و احسان است به خاطر سه مورد: ۱- تحمل وزن فرزند در شکم ۲- وضع حمل ۳- خوردن شیر از مادر، مادر در این سه کار به تنهایی مشکلات را تحمل می کند اما پدر فقط در تربیت اولاد شریک است و بعضی گفته اند مادر در نیکی و احسان و عطوفت و مهربانی مقدم است و پدر در اطاعت، زیرا پدر رئیس و امیر خانواده است.

۱۲- کمک کردن با والدین در کارها: هنگامی که شخص والدین خود را می بیند در حال انجام کاری هستند، به کمک آن ها بشتابد، نه اینکه از کار فرار کند و آن ها را کمک و مساعدت ننماید.

۱۳- اجتناب از ترسانیدن والدین: پرهیز از ترساندن والدین در خواب یا بیداری با کارهایی مثل بلند کردن صدا، گفتن خبرهای غم انگیز و غیره.

۱۴- اجتناب از مشاجره و دعوا در مقابل والدین: اگر کسی بخواهد مشکلات و مسایلی را که بین خانواده و یا برادران وجود دارد، حل و فصل کند، باید دور از چشم والدین و در جایی که آن ها حضور ندارند این کار را انجام دهد تا سبب رنجش والدین نگردد.

۱۵- اجابت کردن والدین با سرعت: در هنگام دستور والدین چه شخص مشغول کاری باشد یا نباشد، به کمک آن ها و اجابت سخن آن ها بشتابد. زیرا

گاهی اوقات افراد مشغول کار هستند و اگر والدین، آن‌ها را صدا بزنند، طوری خود را نشان می‌دهند که صدایشان را نشنیده‌اند و اگر فارغ باشند جواب می‌دهند. در حالی که هر شخص باید در هر حال لبیک‌گویان به اجابت خواسته والدین خود بشتابد.

أصمّ عن الأمر الذي لا أريده واسمع خلق الله حين أريد
در وقت کاری که اراده اجابت آن را ندارم کر هستم و وقتی که می‌خواهم و اراده انجام کار را دارم صدا را می‌شنوم.

۱۶- عادت دادن فرزندان به نیکی و احسان: هر شخص باید در خدمت به والدین برای فرزندان خود یک الگو باشد. به والدین خود خدمت کند و نیکی به والدین را به فرزند تعلیم دهد تا فرزندان به این کار عادت کنند و به والدین خود و به والدین پدر و مادرشان خدمت نمایند. پدر و مادر باید بین فرزندان و والدین خود یک پل ارتباطی باشند.

۱۷- اصلاح و برقرار کردن صلح بین والدین در هنگام اختلاف: هر فرزند باید خود را مأمور بداند هنگامی که بین پدر و مادرش اختلافی واقع می‌شود میان آن‌ها صلح برقرار کند و هر فرزند باید از دیگری در این کار سبقت بگیرد تا بین آن‌ها نزدیکی و ارتباط و صلح برقرار شود.

۱۸- اجازه خواستن در هنگام داخل شدن بر والدین: احتمال دارد که هر یک از پدر و مادر در حالی باشند که نخواهند کسی آن‌ها را ببیند و به همین خاطر فرزند باید هنگام دخول اجازه بگیرد.

۱۹- پدر و مادر را به سوی خداوند عز وجل متوجه ساختن و پند دادن: یعنی در صورتی که از امور دین چیزی نمی‌دانند، فرزند باید آن‌ها را تعلیم دهد. اگر بعضی از مظاهر و علایم فسق و معصیت و خطا در آن‌ها یافت می‌شود، آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کند اما باید مراقب باشد که این کار را

با نهایت لطف و مهربانی و دلسوزی انجام دهد و اگر قبول نکرد صبر پیشه نماید.

۲۰- اجازه گرفتن از والدین و پذیرفتن نظر آن‌ها: فرزندان باید در امور زندگی خویش از جمله همراهی با دوستان، مسافرت با دوستان، مسافرت برای تحصیل یا غیره، رفتن برای جهاد، خارج شدن از منزل و سکونت در جای دیگر، از پدر و مادر اجازه کسب کند و در صورت موافقت آنان، به آن کار اقدام کنند در غیر این صورت، آن را ترک نمایند به ویژه اگر پدر و مادر برای گفته خود دلیل عقلی و محکمی داشته باشند.

۲۱- پذیرفتن سخنان والدین: اگر پدر و مادر، فرزندان را نصیحت کنند فرزند باید بپذیرد، مثلاً در مورد همنشینی با افراد صالح و دوری از شرار، دوری از مکان‌های خلاف شرع و مجالس شُرب خمر، استماع آلات موسیقی و غیره.

۲۲- اجتناب از ملامت و محکوم کردن والدین: اگر از والدین عملی سرزند که مورد پسند فرزند نبود، فرزند نباید آن‌ها را ملامت و محکوم کند، بلکه باید به روشی که ناراحت نشوند و بپذیرند به آن‌ها یادآوری کند بعضی از فرزندان طوری والدین را سرزنش می‌کنند که آن‌ها اصلاً مایل نیستند به سخنان فرزند خود گوش بدهند. سرزنش‌هایی مثل کوتاهی کردن در مورد فرزندان، پند ندادن آنان در گذشته...

۲۳- انجام دادن کارهایی که پدر و مادر را خوشحال می‌کند اگرچه امر نکرده باشند: رعایت حق برادران، صلح و رحم، اصلاحات در منزل، مزرعه و زمین، هدیه دادن به والدین و برادران و هر چیزی که آن‌ها را خوشحال کند.

۲۴- پی بردن به طبع و خوی والدین و عمل کردن به روش خودشان: اگر یکی از والدین یا هر دو افرادی غضبناک و خشن و سخت‌دل باشند یا

صفتی داشته باشند که فرزند آن را نمی‌پسندد، باید طوری با آن‌ها رفتار کند و به گونه‌ای آن‌ها را متوجه نماید که بپذیرد و ناراحت نشوند.

۲۵- دعا کردن و استغفار زیاد برای والدین: خداوند عز و جل فرموده است:

﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۴].

«بگو پروردگارا! چنان که پدر و مادر مرا به مهربانی پرورش دادند تو در حق آن‌ها رحمت و مهربانی فرما».

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [نوح: ۲۸].

«بار الها مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه‌ی من داخل شود و همه‌ی مردان و زنان با ایمان عالم را ببخشای و بیامرز و ستمکاران را جز بر هلاک و عذر ایشان میفزای».

۲۶- نیکی و احسان به والدین بعد از وفات آن‌ها: از مواردی که بر عظمت حق و حقوق والدین و وسعت رحمت خداوند عز و جل دلالت دارد این است که فرزند، نیکی و احسان به والدین را بعد از وفات آن‌ها نیز قطع نکند زیرا افرادی هستند که در زمان زندگی والدین خود در حق آن‌ها کوتاهی کرده‌اند اما وقتی پدر و مادر از دنیا رفته‌اند پشیمان شده‌اند و آرزو کرده‌اند که بار دیگر والدینشان به دنیا برگردند تا بتوانند در حق آن‌ها نیکی و احسان کنند تا حقوق تضییع شده والدین ادا شود و آنچه را از دست رفته است جبران کنند. نیکی و احسان به والدین بعد از وفات آن‌ها با امور ذیل صورت گیرد:

- فرزند صالحی بعد از آن‌ها مانده باشد.
- در حق پدر و مادر زیاد دعا و استغفار کند.
- از جانب والدین صله رحم انجام دهد.
- به قولی که به والدین داده عمل شود.

- از جانب آن‌ها صدقه بدهند.

۳- اموری که انسان را بر نیکی به والدین کمک می‌کند

نیکی و احسان به والدین نعمتی از جانب خداوند ﷻ است که به هر بنده‌ای از بندگان خویش که بخواهد عطا می‌کند در این بخش اموری که انسان را در نیکی به والدین یاری می‌رساند مطرح شده است و بسیار مناسب است که انسان آن‌ها را پیشه خود قرار دهد:

۱- استعانت و مدد خواستن از خداوند ﷻ: به وسیله بر خود واجب دانستن فرائض و عبادت کردن و دعا به درگاه خداوند ﷻ، تا به این وسیله خدا ﷻ انسان را در احسان به والدین موفق نماید.

۲- شناخت فضایل احسان و نیکی و عواقب و خطرات نافرمانی والدین: شناخت اثرات احسان و نیکی و حسن عواقب احسان از بزرگترین انگیزه‌ها و وسایل برای انجام برّ و نیکی و سعی و تلاش به سوی آن است همچنین تفکر و عواقب نافرمانی و چیزهایی که منجر به غم و اندوه و حسرت و ندامت می‌شود انسان را به انجام احسان و نیکی به والدین کمک می‌کند و سبب اجتناب شخص از نافرمانی آن‌ها می‌شود.

۳- شناخت فضیلت والدین بر انسان: والدین سبب وجود فرزند در این کره خاکی بوده‌اند و به خاطر او رنج‌ها و مشقت‌های فراوانی را تحمل کرده‌اند و او را پرورش داده‌اند و محبت و دوستی نثارش کرده‌اند پس شناخت فضیلت والدین یکی از راه‌های بسیار موفقی است که منجر به احسان و نیکی به والدین می‌شود.

۴- انس دادن نفس با نیکی و احسان: برای هر شخص شایسته است که خود را با نیکی و احسان به والدین انس دهد و نفس را بر آن مجبور سازد و با نفس خود جهاد کند تا این کار در سرشت و طبع و خوی او قرار گیرد.

۵- ترس از خدا ﷻ در حالت طلاق: بر والدین واجب و ضروری است در صورتی که امکان اصلاح و توافق بین آنها امکان ندارد و تنها راه چاره طلاق می‌باشد باید که هر یک از آنها فرزندان را بر احسان و نیکی نسبت به دیگری سفارش کند و طوری نباشد که هر یک علیه دیگری نقشه بکشد و فرزندان خود را بر دیگری تحریک کند زیرا اگر فرزندان با نافرمانی والدین انس گرفتند و عادت کردند از زندگی خود خیری نمی‌برند و هم خود و هم فرزندان خود را بدبخت و بیچاره می‌کنند و در وادی هلاکت قرار می‌دهند.

۶- در فکر اصلاح و موفقیت پدر بودن: زیرا که موفقیت پدر سبب موفقیت فرزند است و موجب نیکی و احسان به والدین می‌شود.

۷- توصیه کردن به نیکی و احسان: این کار به چند صورت است مثل تشویق نیکوکاران، ذکر کردن فضایل احسان و نیکوکاری، خیرخواهی و نصیحت کسانی که نافرمانی می‌کنند، ذکر کردن عاقبت نافرمانی.

۸- کمک کردن فرزند بر نیکی و احسان: هر پدری باید به فرزند خود در احسان کردن به والدین خود و دیگران کمک کند و باید فرزندان خود را تشویق نماید و از آنها تشکر کند و برای موفقیتشان دعا کند. چنان‌که روایت شده است بعضی از پدران آنقدر با فرزندان و نوه‌های خود همکاری می‌کنند که آنان تحمل و طاقت جدایی و دوری از پدران خود را حتی به اندازه یک چشم به هم زدن ندارند، اگرچه عمر پدرشان از صد سال هم بگذرد و حتی افرادی هستند که در این اوقات بیشتر به پدران خود خدمت می‌کنند و با هم مسابقه می‌دهند و از این کار خود لذت می‌برند. از

مهمترین وسایلی که انسان را به نیکی و احسان به والدین تشویق می‌کند، موارد زیر است:

(الف) پدر بهترین مددکار برای فرزند باشد.

(ب) فرزندان خود را دوست داشته باشد.

(ج) برایشان زیاد دعا کند.

(د) به طریقی با فرزندان خود رفتار کند که سبب خوشحالی آنان گردد.

(ی) آن‌ها را با بهترین نام صدا بزند.

۹- فرزندان، خود را به جای پدر و مادرش قرار دهد: یعنی با خود بیاندیشد که اگر در آینده، پدر و مادر شود، میل دارد فرزندش با او بد رفتاری کنند؟ به ویژه در زمان پیری که موهایش سفید شده باشد و توانایی حرکت نداشته باشد.

۱۰- خواندن سیره نیکوکاران و کسانی که فرمان والدین را انجام می‌دهند: خواندن سیره نیکوکاران از اموری است که همت را تحریک می‌کند و انسان عزم خود را برای احسان به والدین جزم می‌کند و در این کار نهایت کوشش خود را انجام می‌دهد.

۱۱- خواندن سیرت و روش کسانی که نافرمانی والدین خود را می‌کنند: و آگاهی یافتن بر گرفتاری‌هایی که از این رفتار بد نصیب آنان شده است، سبب نفرت انسان از نافرمانی می‌شود و از آن دوری می‌گزیند و موجب نزدیکی و رغبت به سوی نیکی و احسان می‌گردد.

۱۲- پدر و مادر، به فرزندان بفهمانند که از احسان و نیکی آن‌ها شادمان و از نافرمانی آن‌ها ناراحت می‌شوند: اگر فرزندان این حس را بفهمند برای انجام نیکی و احسان تحریک می‌شوند و از نافرمانی والدین بیزاری می‌جویند.

۴- طریقه رفتار با همسر و والدین

این بخش هم جزء آدابی است که باید در مورد والدین رعایت شود و هم جزء اموری است که انسان را در نیکی و احسان به والدین یاری می‌کند و در صفحات قبل، مواردی از آن بیان شد اما به دلیل اهمیت موضوع به صورت جداگانه در اینجا شرح می‌دهیم:

گاهی اوقات انسان به خاطر ایجاد توافق با همسر و والدین خود دچار سردرگمی می‌شود زیرا گاه ممکن است زن، خداترس نباشد و مایل باشد که شوهرش فقط با او زندگی کند و با پدر و مادر خود انس و الفت نداشته باشد و گاه ممکن است والدین یا یکی از آن‌ها دارای اخلاق خاصی باشند که هیچ شخصی مورد پسندشان قرار نگیرد و چه بسا فرزندشان را مجبور کند که زنش را طلاق دهد در حالی که فرزند به این امر راضی نیست.

گاهی اوقات والدین احساس می‌کنند که فرزندشان تابع زن خویش است و زنش در همه امور تصرف دارد و فرزندشان در تنگنا قرار گرفته است در حالی که مرد آن گونه که والدین تصور می‌کنند تابع زن خود نیست یا گاهی اوقات از حق خود می‌گذرد و حش ضایع می‌شود.

آیا در چنین شرایطی، مرد فقط باید در خانه بنشیند و زانوی غم بغل بگیرد و چاره‌ای نیاندیشد و نافرمانی والدین را انجام دهد و با پدر و مادرش بدرفتاری کند و آن‌ها را کم عقل جلوه دهد و با سخت‌دلی و تکبر در راه ارضای همسر خویش قدم بردارد یا اینکه در حالی که والدین او بر خطا هستند به خاطر موافقت با آنان تمام گفته‌هایشان را در مورد همسر خویش تصدیق کند و با او بدرفتاری نماید؟

هیچ یک از این دو روش صحیح نیست بلکه نهایت تلاش خود را در اصلاح ذات البین و وسعت نظر هر دو طرف به کار ببرند و آن‌ها را به هم

نزدیک کند و بینشان موافقت و دوستی برقرار نماید. البته هر شخصی که قصد ایجاد موازنه و برابری بین حقوق و واجباتی را دارد که بین مردم در تعارضند و قصد اصلاح دارد در ابتدای کار در حالت حیرت و شک و تردید قرار می‌گیرد در چنین شرایطی دانش و توانایی شخص عاقل برای ادای حقوق هر فرد بدون آن که به کسی ظلم شود ظاهر می‌گردد.

از جمله مسائلی که بر عظمت شریعت اسلامی دلالت دارد این است که دارای احکامی است که در تمام موارد توازن و برابری را رعایت کرده است و هر انسان عاقلی که قصد ایجاد توازن و برابری دارد با توفیق خداوند عز و جل توانایی اعطای حق هر فردی را داراست بسیاری از مشکلات خانواده و اجتماع بشری به خاطر عدم وجود توازن و برابری است انسان عاقل باید نهایت تلاش خود را به کار ببرد تا حق هر شخصی را ادا کند و به وظیفه‌اش عمل نماید، خواه به نفع یا ضرر او بیانجامد.

در اینجا مواردی که به وسیله آن انسان می‌تواند از عهده‌ی ایجاد توازن برآید، بیان می‌گردد که این ارشادات هم به والدین و هم به زن و شوهر مربوط می‌شود؛ به ویژه مادر شوهر را بیشتر مورد خطاب قرار می‌دهد تا به این راهنمایی عمل کند و آن را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد.

ابتدا، مواردی که به شوهر مربوط می‌شود:

۱- مراعات حق والدین و فهمیدن خو و طبیعت آن: فرزند باید پس از ازدواج، نیکی و احسان به والدین را از یاد نبرد و در مقابل آنان طوری به همسر خود اظهار محبت نکند که سبب ناراحتی آنان شود به ویژه اگر والدین یا یکی از آن دو دارای خلق و خوی خاصی باشند چه بسا ابراز محبت به همسر در مقابل والدین در دلشان خشم و کینه ایجاد می‌کند و غیرتشان به ویژه غیرت مادر، به جوش می‌آید. رفتار فرزند باید به گونه‌ای باشد که والدین را نیز راضی و خوشحال کند.

۲- به وجود آوردن محبت بین همسر و والدین: فرزند می‌تواند به همسرش سفارش کند که مثلاً هدیه‌ای برای والدین او ببرد یا هدیه‌ای بخرد و به همسرش بدهد تا او به والدینش تقدیم کند این مورد از مواردی است که سبب نرم شدن و دوستی و محبت می‌شود و سوء ظن‌ها و بدگمان‌ها را از بین می‌برد.

۳- میانه‌روی با زن: شوهر باید حقوق زن خود را بشناسد و رعایت کند و تمام گفته‌های پدر و مادر خود را مورد همسرش نپذیرد و نسبت به همسرش گمان نیک داشته باشد و سخنان او را قبول کند.

۴- تفاهم داشتن با همسر: شوهر می‌تواند برای همسرش توضیح دهد که والدین جزء لایتجزای زندگی او هستند و نمی‌شود آن‌ها را رها کرد و به همسرش بفهماند که هیچ‌گاه نافرمانی آنان را نخواهد کرد. هیچ‌گونه اهانتی را نسبت به پدر و مادرش نخواهد پذیرفت در مقابل به همسرش بگوید که تو را هم دوست دارم و تو هم در مقابل باید صبر را پیشه خود قرار دهی و حق والدین مرا نیز رعایت کنی اگر زن با والدین شوهر خود بدرفتاری می‌کند، شوهرش می‌تواند برای او یادآوری کند که روزی او هم مادر خواهد شد دیگران با او همین رفتار را خواهند کرد همچنین برایش توضیح دهد که این رفتار او جز ضرر و ذلت و خواری چیز دیگری به ارمغان نمی‌آورد اما اگر نرمی و مهربانی را اختیار کند هیچ‌زیانی به او نخواهد رسید بلکه بر ارزش و مقام او افزوده خواهد شد و این عمل او نیز مورد پسند خداوند عز و جل قرار خواهد گرفت.

دوم، مواردی که به زن مربوط می‌شود:

- ترجیح دادن شوهر بر خود
- اکرام خویشاوندان شوهر
- نهایت تلاش در اکرام والدین شوهر به ویژه مادر

این موارد مساوی با اکرام و نیکی به شوهر است و موجب ایجاد انس و الفت و ارتباط قوی و خاموش شدن آتش فتنه می‌گردد.

زن از نظر شرع مأمور به حفظ خویشتنداری با همسر و خانواده‌ی اوست و حق شوهر بر زن بیشتر از حق خانواده‌ی زن بر اوست موظف است که دوستی با خویشاوندان شوهر را حفظ کند و مراقب باشد که در دل آن‌ها کینه و ناراحتی به وجود نیاید. این امر سبب به وجود آمدن ارتباط قوی بین مردم می‌شود.

اکرام و احترام زن نسبت به والدین شوهر با توجه به این که آن‌ها هم‌سن و سال والدین خود او هستند، بر بزرگواری و شرافت او دلالت می‌کند و جزء اخلاق اسلامی و نشانه کرامت انسانی است حتی اگر این کار را فقط به خاطر جلب رضایت شوهر و به دست آوردن محبت خویشاوندان و برای درمان ماندن از اختلافات انجام دهد بسیار خوب و مبارک است اما به شرطی که همیشه دوام داشته باشد.

زن بزرگوار و با شرافت، باید مادر همسر خود را همچون مادر خویش بیندارد و نباید از یاد ببرد که مادر همسرش کسی است که برای فرزندش زحمات زیادی تحمل کرده است مثل حمل فرزند در شکم، شیر دادن، پرورش دادن، محبت و مهربانی کردن با فرزند و نهایت تلاش خود را در پرورش او به کار برده و به او امید بسته است آیا می‌شود با این زحمات از او دریغ کرد؟

زن باید مادر شوهر را به جای مادر خود قرار دهد همان طور که هر دختری ممکن است از سوی مادر خود اذیت و جفاهایی را تحمل کند و وظیفه دارد در مقابل اذیت‌های مادرش صبر کند، از مادر همسر خود نیز می‌تواند گاهی آزار و اذیت‌هایی را تحمل نماید. بدیهی است اگر در هر خانواده‌ای آداب اسلامی رعایت شود و هر کس حد خود و حقوق دیگران را

رعایت کند زندگی خوشی پیش روی افراد خواهد بود و چنین خانواده‌هایی می‌تواند الگویی برای سایر خانواده‌ها باشند. زن باید متوجه باشد که همسرش به اهل و خانواده خود بیش از خانواده او علاقه‌مند است که در این مورد جای ملامت نیست، زیرا خود زن، خانواده‌اش را بیشتر از خانواده‌ی همسرش دوست دارد. پس باید مراقب باشد که او را در مورد خانواده‌اش ملامت نکند و حتی اگر نقطه ضعفی داشته باشد مثلاً در حقوق فرزندشان و همسرش کوتاهی کرده باشند یا آن‌ها را آزار داده باشند نباید نقاط ضعف آنان را برای همسرش یادآوری نماید زیرا این امر، سبب نفرت شوهر از زن و روگردانی از او می‌گردد.

اگر زن در مورد احترام گذاشتن و محبت ورزیدن به خانواده‌ی همسر خود نهایت تلاش را انجام دهد مانند آن است که به همسر خود احترام گذاشته است در غیر این صورت یا در صورت انجام دادن کارهایی که خلاف آن را ثابت کند مرد نیز محبت خود را نثار همسرش نخواهد کرد و در زندگی آن‌ها کدورت به وجود خواهد آمد.

اگر شخصی به والدین خود احسان کند و خانواده‌اش را دوست بدارد این رفتار او دلیل بر آن است که او انسان فاضل، بزرگوار، با کرامت و صالحی است و شایسته است که همسرش به او احترام بگذارد و از او تشکر کند و او را شخصی با کرامت و بزرگواری بداند و برای موفقیت او دعا کند زیرا شخصی که به پدر و مادر خود احسان نکند نه به خود نفعی می‌رساند و نه برای همسر و فرزند و دیگر افراد جامعه مفید واقع می‌شود. زنی که به بدرفتاری شوهرش با والدین خود راضی است و در این که همسرش نافرمانی والدین را بکند اشکالی را نمی‌بیند، آیا مایل است که زن برادرهای او این رفتار را با مادرش انجام دهند؟ اگر زن در مورد نیکی و احسان به والدین، همسرش را یاری کند، این امر سبب حل مشکلات و مصائب، از بین رفتن

تنگ نظری‌ها و سایر گرفتاری‌ها می‌شود زیرا هنگامی که والدین شوهر از سوی همسر فرزند خود، دوستی، محبت، و صمیمیت احساس کنند، ارتباط آن‌ها با خانواده‌ی فرزندان، قوی‌تر خواهد شد و هر دو خانواده، احساس نزدیکی بیشتری خواهد کرد چه بسا افرادی هستند که همسران فرزندان خود را همچون دخترانشان یا حتی بیشتر دوست می‌دارند و آن هم به این علت است که هر یک از دو طرف خیرخواه دیگری هستند و نسبت به یکدیگر خویشتنداری می‌کنند.

از مواردی که سبب جای گرفتن محبت زن در قلوب والدین همسر می‌شود امور زیر است:

- اگر از سوی والدین همسر، به زن ظمی شود صبر نماید.
- از صبر کردن خود انتظار اجر و ثواب را داشته باشد.
- در عواقب امر نگاه کند.
- سخن والدین شوهر خود را با دل و جان پذیرا باشد.
- با آنان به نرمی سخن بگوید.
- در هنگام ملاقات با آن‌ها اول سلام کند.
- خوش گفتار باشد و به عهد خود وفا کند.
- به همسر خود نسبت به رعایت حق والدین توصیه کند.
- رفتارش به گونه‌ای نباشد که شوهرش احساس کند که همسرش از والدین او ناراحت و پریشان است.

- اگر از سوی والدین شوهر احساس ناراحتی کرد، به درگاه خداوند عز و جل زاری و تضرع کند تا خداوند عز و جل قلوبشان را به سوی او مایل بگرداند. زنی که تمام این موارد را رعایت کند پاداش عمل خود را هم در دنیا و هم در آخرت خواهد یافت در دنیا از او به نیکی یاد می‌کنند و در آخرت نیز مستحق ثواب بسیاری است و خداوند عز و جل او را مورد عفو قرار می‌دهد.

سوم، مواردی که به مادر شوهر مربوط می‌شود:

بعضی از مادران بدون اینکه متوجه بدی کار خود باشند فرزندشان را در تنگنا قرار می‌دهند آن‌ها چون فرزندشان را دوست دارند و خواهان خوشبختی او هستند تمام تلاش خود را در مورد خواستگاری و ازدواج فرزندشان به کار می‌برند اما به خاطر متوجه نشدن بعضی از مسایل، خود و فرزندشان را در سختی قرار می‌دهند و با این عملشان متحمل ضرر می‌شوند هنگامی که پسر ازدواج می‌کند مادر احساس می‌کند که محبت فرزندش به سوی همسرش سرازیر شده است و به همین علت می‌خواهد او را به سوی خود برگرداند.

بنابراین، او را با عذرها و بهانه‌های مختلف علیه همسرش تحریک می‌کند و حتی گاهی به او پیشنهاد می‌کند که از همسرش جدا شود و می‌گوید که شخص بهتری را برای همسری او سراغ دارد در حالی که همان زن ممکن است از نظر خلق و خوی و زیبایی و سایر خصوصیات برای فرزندش از هر کسی مناسب‌تر باشد بعضی از مادران دارای اخلاق خاصی هستند گاهی اوقات فرزند خود را در حالی می‌بینند که به همسرش محبت می‌ورزد و او را اکرام و احترام می‌کند به همین سبب آتش غیرت در قلبشان شعله‌ور می‌شود و به کارهایی دست می‌زنند که عاقبت آن قابل ذکر و بیان نیست.

بعضی دیگر از مادران آن قدر سخت‌دل هستند که توانایی توافق و همکاری با همسر فرزندشان را ندارند عیب‌های او را بزرگ جلوه می‌دهند و محاسن و خوبی‌های او را پنهان می‌کنند درباره‌ی او دروغ می‌بافند و از هر راهی برای تخریب او استفاده می‌کنند و طوری جلوه می‌دهند که خودشان از آن عیوب مبرّا هستند اما نمی‌دانند که این اعمال برای خانواده و فرزندشان جز ضرر و زیان چیزی به همراه ندارد اگر مادری به فکر خوشبختی فرزند خویش است و او را دوست دارد نباید با آتش غیرت خود،

آرامش خانواده‌ی او را بسوزند و از بین ببرد و نباید در ذهن خود خیالبافی کند و گمان سوء بی‌رورد و به این وسیله مشکلات و مصائب را برای همه به وجود آورد بلکه با همسر فرزندش طوری باید رفتار کند که او بتواند مادر همسرش را به جای مادر خود قرار دهد.

به همسر فرزندش احسان و نیکی کند و اگر خلافتی از او مشاهده کرد، خیرخواه او باشد و با نرمی و مهربانی نصیحتش کند تا خود و فرزندش و تمامی خانواده خوشبخت باشند و خیر یکدیگر را بخواهند.

مادر باید با قلب پاک خود و با سوز دل برای فرزند و خانواده او خالصانه دعا کند و به فکر خوشبختی زوجین باشد و از آنان به خوبی یاد کند تا او را ناصح و خیرخواه خود بدانند و در هنگام مشکلات با او درد دل کنند، برایش دعا کنند و به او نیکی و احسان نمایند و این امر موجب خرسندی پروردگار می‌گردد. در پایان از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهم که تمام مشکلات خانواده‌ها را از جانب خود حل و فصل گرداند و محبت و دوستی خود و محبتی را که به خاطر خدا عز و جل باشد در قلب همه قرار دهد و ما را از وسوسه‌های شیطانی و مکاید و فریب آن در پناه خود محفوظ بدارد آمین.

۵- چند قصه از نیکی به پدر و مادر

در صفحات قبل در مورد احسان به والدین و آدابی که رعایت آن در مورد پدر و مادر مناسب است و همچنین اسبابی که ما را در احسان به والدین یاری می‌کند سخن گفته شد و برای هر شخصی بایسته است که همه موارد را بداند و به آن عمل کند تا بتوانیم امیدوار باشیم که خداوند ما را جزء بهترین بندگانی که در وقت ندای پروردگار لبیک‌گویان نزد او حاضر

می‌شوند و اگر آمرزش گناهان خویش را از او طلب کنند خداوند آن‌ها را معاف می‌کند.

به دلیل آن که انبیاء و مرسلین و تابعین برای ما الگو هستند و ما باید در زندگی خود به آنان اقتدا کنیم داستان‌هایی در مورد نیکی و احسان به والدین از آنان ذکر شده است و در این بخش نقل خواهد شد خداوند عز و جل به خاطر احسان آنان به والدین منزلشان را در دنیا و آخرت بلند گردانیده و نامشان را جاوید گذاشته است.

شخصی که این داستان‌ها را مطالعه کند با خواندن آن احساس آرامش می‌کند و با گذشت زمان بر تازگی این داستان‌ها افزوده می‌شود و افراد با مطالعه آن‌ها به نیکی و احسان به والدین و دیگران تشویق می‌شوند و از نافرمانی والدین اجتناب می‌کنند و از خداوند متعال می‌خواهیم که در کارهای خیر پیروزمان گرداند.

الف) چند قصه از نیکوکاری انبیاء

۱- قصه حضرت نوح علیه السلام: خداوند عز و جل این قصه را به خاطر اهمیت آن در قرآن ذکر نموده است و طریقه نیکی و احسان حضرت نوح علیه السلام را همراه با روش دعا و استغفار آن حضرت برای والدین بیان فرموده است و آن را برای ما عبرت و پند قرار داده است:

﴿رَبِّ أَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾
[نوح: ۲۸].

«بار الها مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه‌ی من داخل شود و همه‌ی مردان و زنان با ایمان را ببخشای».

۲- حضرت ابراهیم علیه السلام: امام موحدین حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به خاطر ترس از گمراهی و هلاکت پدرش او را با لطف و مهربانی و حرص

شدید و رغبت و امید برای هدایت و نجات مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که به خدا ایمان بیاورد خداوند عز و جل در قرآن این قصه را چنین بیان می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ٤١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ٤٢﴾ يَا أَبَتِ إِنَّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ٤٣﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ٤٤﴾ يَا أَبَتِ إِنَّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ٤٥﴾ [مریم: ۴۱-۴۵].

«و در کتاب خود یاد کن شرح حال ابراهیم را که بسیار راستگو و پیامبری بزرگ بود هنگامی که به پدر خود گفت: ای پدر چرا بتی جماد را که چشم و گوش ندارد و نمی‌تواند حاجتی را از تو رفع کند می‌پرستی؟ ای پدر! به من دانشی آموخته‌اند که به تو نیاموخته‌اند، پس تو از من پیروی کن تا به راه راست هدایت کنم ای پدر هرگز شیطان را نپرست که او سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد ای پدر می‌ترسم که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد و در دوزخ با شیطان یار و یاور باشی.»

می‌بینم که ابراهیم علیه السلام پدرش را با کلمات زیبا و دلنشین و عبارت مهربانانه مورد خطاب قرار می‌دهد و سخن او در اعماق دل انسان جای می‌گیرد و اگر انسان سخت‌دل نباشد این سخنان بر دل او تأثیر زیادی می‌گذارد و سبب هدایت و نجات و رستگاری او می‌گردد.

۳- حضرت اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام: در داستان اسماعیل علیه السلام بهترین مثال نیکی و احسان در طول تاریخ بشریت مشاهده می‌شود هنگامی که پدرش به او گفت:

﴿يَبْنَئِي لِي فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ﴾ [الصافات: ۱۰۲].

«فرزندم! در خواب دیده‌ام که تو را ذبح می‌کنم».

آیا فرزند صالح ابراهیم علیه السلام از خود تنبلی و تردید نشان داد و سعی کرد از زیر بار شانه خالی کند.
خیر، بلکه چنان که قرآن فرموده است:
گفت:

﴿قَالَ يَا بَتِ اَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰبِرِيْنَ﴾

«ای پدر! کاری را که بدان امری شده‌ای انجام بده و ان شاء الله مرا از بندگان صبور و شکیبا خواهی یافت».

روایت شده است، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام از آنچه در خواب دیده بود، مطمئن شد و یقین حاصل کرد، به فرزندش گفت: ای اسماعیل، ریسمان و تیشه را بردار تا با هم به آن وادی برویم و هیزم بیاوریم.

هنگامی که با هم به وادی (شبید) رفتند، به اسماعیل علیه السلام گفت: من قصد انجام مأموریت خود را دارم اسماعیل علیه السلام پاسخ داد: ای پدر دست و پای مرا محکم ببند تا دست و پا نزنم و لباس‌هایت را جمع کن تا به خون آلوده نگردد مبادا مادرم آن را ببیند کاردت را خوب تیز کن و در هنگام بریدن شتاب نما تا زودتر راحت شوم و احساس درد نکنم.

هنگامی که به نزد مادرم برگشتی از جانب من به او سلام بگو. پدر در جواب فرمود: (آری فرزندم من به کمک تو نیاز دارم تو باید در این کار مرا یاری کنی.) در حالی که هر دو گریه می‌کردند ابراهیم علیه السلام شروع به انجام مأموریت خود کرد کارد را بر حلقوم اسماعیل گذاشت اما کارد نبرید سه بار آن را تیز کرد باز هم نبرید در آن هنگام اسماعیل به پدرش گفت صورت مرا بر زمین قرار ده زیرا وقتی نگاهت به چهره من می‌افتد بی‌اختیار به من رحم می‌کنی ابراهیم علیه السلام چهره اسماعیل را بر زمین قرار داد و چند بار کارد را بر

گردن او کشید اما کارد نبرید در این لحظه حضرت ابراهیم عصبانی شد و کارد را بر زمین کوبید کارد به سوی آن حضرت برگشت و گفت: (خداوند ﷻ به این کار دستور نمی‌دهد.) آنگاه به او ندا داده شد:

﴿يَا اِبْرَاهِيمُ ﴿۱۴﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّعْيَا ﴿۱۵﴾﴾ [الصافات: ۱۰۴-۱۰۵].

«ای ابراهیم تو مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی.»

۴- حضرت عیسی علیه السلام: پیامبری که خداوند ﷻ از او و مادرش در جاهای متعددی از قرآن به بزرگی یاد کرده است حضرت عیسی علیه السلام به مادرش احسان و نیکی می‌کرد و در گهواره نیز پروردگار را عبادت می‌نمود خداوند ﷻ از قول حضرت عیسی علیه السلام در قرآن فرموده است:

﴿وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿۳۱﴾﴾ [مریم: ۳۲].

«به نیکویی با مادر سفارش نمود و مرا شقی و ستمکار قرار نداد.»

ب) چند قصه از نیکوکاری سلف صالح

در اکثر کتب دینی مطالبی در سیرت و روش سلف صالح نوشته شده است و حتماً چند صفحه‌ای به نام مبارک آنان مزین است که می‌تواند بر اهتمام ایشان نسبت به نیکوکاری والدین داشته باشد به همین دلیل چند قصه از آنان را اینجا بیان می‌کنیم.

۱- داستانی درباره ابومره مولی ام هانی دختر ابوطالب: روزی با حضرت ابوهریره بر مرکبی سوار شدند و به سرزمین عقیق رفتند هنگامی که به آنجا داخل شدند ابومره با صدای بلند فریاد زد (عليك السلام ورحمة الله و برکاته ای مادرم) در جواب مادرش فرمود: (و عليك السلام ورحمة الله و برکاته).

ابومره گفت: خداوند تو را مورد عفو و بخشش قرار دهد و بر تو رحم کند چنان که مرا در کودکی تربیت کردی. مادرش گفت: (فرزندم! خداوند به تو

نیز جزای خیر دهد و از تو راضی باشد، چنان که در بزرگسالی خود به من نیکی و احسان کردی).

۲- در مورد حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما: روایت شده که شخصی از بادیه‌نشینان در راه مکه او را ملاقات نمود عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به او سلام کرد و او را بر الاغ خود سوار کرد و عمامه را از سر خود برداشت و بر سر او گذاشت. ابن دنیار می‌فرماید: به آن حضرت عرض کردیم (خداوند تعالی تو را صالح و نیکوکار قرار دهد، این شخص یک اعرابی است و با چیز اندکی راضی می‌شود) عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: این کار را به این خاطر انجام دادم که این شخص، دوست پدرم حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه بود و من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «إِنَّ أَبْرَ الْبِرِّ صَلَةُ الْوَالِدِ أَهْلٍ وَدَّ أُبِيهِ» از بهترین نیکی‌ها این است که فرزند رابطه‌اش را با دوستان پدرش حفظ نماید.

۳- داستانی درباره حارثه بن نعمان رضی الله عنه: حضرت ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: داخل جنت شدم و در آنجا قرائت و صدایی را شنیدم سؤال کردم این چه کسی است؟ گفتند: حارثه ابن نعمان، این است جزای نیکوکاری، این است جزای نیکوکاری، و حضرت حارثه بن نعمان نیکوکارترین شخص به مادرش است.

۴- در مورد کهمس بن الحسن: ابو عبدالرحمن الحنفی روایت کرده است که کهمس بن الحسن در خانه خود عقربی را دید قصد داشت آن را بکشد یا بگیرد و از خانه بیرون اندازد به محض اینکه به او حمله کرد، عقرب به داخل سوراخی پناه برد.

کهمس دستش را داخل سوراخ کرد تا آن را بگیرد و عقرب هم واکش نشان دادن و او را گزید به کهمس گفتند: از این کار چه هدفی داشتی؟ گفت: ترسیدم از سوراخ بیرون آید و به مادرم نزدیک شود و او را بگذرد.

۵- در مورد حضرت زین العابدین (ابوالحسن بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام): این حضرت یکی از بزرگان تابعین است که به مادرش زیاد نیکی و احسان می کرد و آن قدر احسان می کرد که به او می گفتند تو نیکوکارترین شخص نسبت به مادرت هستی. اما تا به حال تو را ندیده ام که با مادرت غذا بخوری علت چیست؟ فرمود: از این می ترسم که دست من جایی رود که چشم مادر به آن قسمت از غذا نظر کرده باشد و با این کار جزء افرادی باشم که نافرمانی والدین را کرده اند.

۶- در مورد محمدبن سیرین: هشام بن حسن روایت کرده است: حفصه دختر ابن سیرین فرمود: مادر محمدبن سیرین اهل حجاز بود و کار رنگ آمیزی لباس را خوب می انجام می داد و هر وقت محمدبن سیرین قصد خرید لباسی داشت نرمترین آن را می خرید زیرا در وقت عید، مادرش لباس های او را رنگ می کرد و من هیچ گاه ندیدم که بر سر مادر فریاد بزند و صدایش را از صدای مادرش بلندتر کند و در وقت صحبت احتیاط کامل را رعایت می کرد. ابن عون روایت کرده است: هنگامی که محمدبن سیرین با مادرش صحبت می کرد، طوری صدای خود را پایین می آورد که اگر کسی او را می دید گمان می کرد که مریض است.

شخصی از خانواده سیرین روایت می کند: (هنگامی که محمدبن سیرین با مادرش صحبت می کرد حالتی داشت که انگار تضرع و زاری و التماس می نمود).

ابن عون در جای دیگری نقل می کند: (شخصی نزد محمدبن سیرین آمد در هنگامی که کنار مادرش بود. به مادرش گفت: محمد را چه شده؟ آیا مریض است؟ گفتند: خیر. خصلتش این است که در نزد مادرش این گونه رفتار و صحبت می کند.

- ۷- در مورد محمدبن منکدر: جعفر بن سلیمان در مورد محمد بن منکدر نقل می‌کند که این حضرت صورت خود را از بر زمین می‌گذاشت سپس به مادرش می‌گفت: ای مادر برخیز و قدم‌هایت را بر روی صورتم بگذار.
- ۸- در مورد ابن عون المزنی: نقل شده که مادرش را صدا زد. او در هنگام جواب دادن صدایش را از صدای مادرش بلندتر کرد. به همین خاطر در قبال این کار دو غلام آزاد کرد.
- ۹- در مورد فرزند عمر بن ذر: نقل شده که از عمر بن ذر پرسیدند که رفتار فرزندت با تو چگونه بود: فرمود: (اگر در روز راه می‌رفتم پشت سرم حرکت می‌کرد و اگر در شب راه می‌رفتم در جلو حرکت می‌کرد و امکان نداشت که او در جایی بالاتر از من یا در بلندی بنشیند که من پایین‌تر از او قرار گیرم و همیشه مرا در بالا می‌نشانند و خودش در پایین می‌نشست).
- ۱۰- ربیع به او گفت: در حضور امیرالمؤمنین این جمله را زیاد تکرار مکن. در جواب فرمود: (من تو را ملامت نمی‌کنم زیرا حلاوت و شیرینی پدر را نچشیده‌ای).
- ۱۱- در مورد بندار: او از جمله کسانی بود که به والدین خود نیکی و احسان می‌کرد و ذهبی در مورد او فرموده است: (به خاطر نیکی و احسان به مادر از بصره کوچ نکرد و در همانجا درس را ادامه داد).
- عبدالله بن جعفر بن خاقان المروزی نقل کرده است: از بندار شنیدم که فرمودم: (برای طلب علم قصد خروج از بصره را داشتیم، اما مادرم مرا منع کرد. من هم اطاعت کردم. خداوند عز و جل هم در علم من برکت قرار داد).
- ۱۲- اصمعی روایت کرده: شخصی از بادیه‌نشینان به من گفت: برای پیدا کردن نیکوکارترین و بدترین شخص از نظر نافرمانی والدین از شهر خود بیرون رفتم، هنگامی که برای این کار خارج شدم موقع ظهر و در شدت گرمی، پیرمردی را دیدم که در گردنش دلوی بود و به وسیله آن از چاه آب می‌کشید که شتر طاقت تحمل آن را نداشت و جوانی هم پشت سرش بود و

با شلاق او را می‌زد و کمرش زخمی شده بود. به او گفتم: آیا از خدا عزوجل نمی‌ترسی؟ آیا همین کافی نیست که با این دلو آب را از چاه بالا می‌کشد که تو هم او را اذیت می‌کنی؟

گفت: (خداوند عزوجل تو را جزای خیر ندهد که این کار را انجام می‌دهی).
فرزندش گفت: (سکوت کن، به این خاطر این کار را انجام می‌دهم که پدرم با پدرش و پدرش با اجدادش همین کار را انجام می‌داد).

سپس به راه خود ادامه دادم، تا به جوانی رسیدم که در گردن خود زنبیلی داشت و در داخل آن زنبیل پیرمردی بود. انگار جوجه‌ای در داخل زنبیل قرار داشت. جوان، هر ساعت او را در مقابل خود می‌گذاشت و مانند جوجه پرندگان به او غذا می‌داد و او را می‌پرورد.

به او گفتم: (این چه کاری است؟ پاسخ داد: این پدرم است که ضعیف شده و من سرپرستی و کفالت او را به عهده دارم. سپس این شخص گفت: (آن جوان نیکوکارترین افراد است).

۱۳- داستانی در مورد طارق بن حبیب: او یکی از بهترین بندگان خدا و از علمای بزرگ بود که بر سر مادرش بوسه می‌زد و خصلت او این بود که به خاطر احترام به مادر بر پشت بام خانه‌ای که مادرش در آن قرار داشت راه نمی‌رفت.

۱۴- داستانی در مورد عامربن عبدالله: عامربن عبدالله بن زبیر فرموده است:

هنگامی که پدرم وفات نمود، تا یک سال، غیر از بخشش پدرم - چیز دیگری از خداوند طلب نکردم.

خداوند به همه ما توفیق عمل عنایت بفرماید.

پایان بازنویسی ترجمه ۱۳۸۳/۳/۲۷

در مسجد جامع خواف